

جهان صنعت

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ ۲۳ ذی القعدة ۱۴۴۷ ■ ۱۱ می ۲۰۲۶

سال بیست و دوم ■ شماره ۶۰۷۶ ■ ۸ صفحه ■ قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

نه جنگ نه صلح؛ اقتصاد ایران در برزخ انتظار

هزینه تصاعدی بلاتکلیفی

«جهان صنعت» حذف گالاهای اساسی از سفره مردم با وجود کفایت آن در سطح بازار را بررسی می‌کند

بازار در چنبره گرانی



رضا الملاح - جهان صنعت

ادامه سرمقاله

بر اساس اوهام تصمیم نگیرد

در برابر این واقعیت که رهبری در جریان مسیر و ابتکارهای مذاکره و مذاکره‌کنندگان است، مخالفان مذکور استدلال می‌کنند همانطور که در جریان توافق برجام، رهبر شهید مجبور به همراهی با تیم مذاکره‌کننده شد و چیزهایی را پذیرفت که بعدها از آن توافق گلایه کرد، رهبر فعلی هم می‌تواند در موقعیت‌هایی، وارد و یا به سوی پذیرش مسأله سوق داده شود که بنا به مصلحت پذیرد ولی از آن رضایت نداشته باشد. از این بابت مخالفان می‌گویند این بار پس از چند مرتبه گزیده‌شدن از محل مذاکره، ملت ایران اجازه فریب خوردن یا وارد شدن به پذیرش خواست‌های ایالات‌متحده را به مقامات و مذاکره‌کنندگان خود نمی‌دهد و از منافع خود و خط قرمزهای تعیین شده به سختی دفاع خواهد کرد البته مخالفان مذاکره با طرف آمریکایی، حتما به یاد می‌آورند که همین علی لاریجانی که اکنون از وی به‌عنوان نابغه دیپلماسی و دانشمند فریخته یاد می‌شود در هنگام تصویب برجام در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی تمام قد از این توافق حمایت و در مقابل تمام تهمت‌ها، برخورد‌های فیزیکی و مخالفت‌هایی که با شخص خودش به خاطر حمایت از توافق هسته‌ای انجام می‌شد، ایستادگی و مقاومت کرد. کسی که اکنون با عنوان نابغه دیپلماسی مورد تقدیر و بزرگداشت قرار می‌گیرد در آن

ادامه تقدروژ

آقای پزشکیان مردم صرف‌جو شده‌اند

به نظر می‌رسد رییس دولت چهاردهم حالا به جایی رسیده است که در گفت‌وگو با شهروندان درباره صرف‌جویی انرژی از «باید» استفاده می‌کند و نوعی دستور از بالا را در دستور کار قرار می‌دهد. با توجه به مجموعه بحث‌ها درباره دلدستان انرژی در شرایط حاضر و گفته یک مقام وزارت نیرو که قرار است انرژی فروخته شده به نیروگاه‌ها به قیمت واقعی شود، کلود افزایش قیمت

یادداشت

تنگه هر مز در عصر «جنگ جهانی تجارت»

رضا موسایی * - در روزگاری که مفاهیمی چون «جهانی‌سازی» و «تجارت آزاد» به‌عنوان ستون‌های نظم بین‌الملل معرفی می‌شدند، کمتر کسی در غرب حاضر بود.

بپذیرد که همین ابزارها می‌توانند به سلاح تبدیل شوند. امروز اما تحلیل‌هایی مانند مقاله ریچارد بالدوین با عنوان «World War Trade and the Strait of Hormuz» در واقع تایید همان هشدار راهبردی است که سال‌ها از سوی



رهبر معظم انقلاب اسلامی، سید علی خامنه‌ای مطرح شده بود؛ اینکه اعتماد به نظام سلطه و سازو کارهای آن نمی‌تواند تضمین‌کننده منافع ملت‌ها باشد.

افول نظم مبتنی بر قانون یا باز تعریف آن؟ میان قدرت‌ها نیست بلکه تعییر در ماهیت نظم جهانی است. نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی که زمانی نماد «قانون‌مندی» در تجارت بین‌الملل بودند، امروز در عمل تحت‌الشعاع تصمیمات یکجانبه قدرت‌های بزرگ قرار گرفته‌اند.

ترمه‌های گسترده، تحریم‌های هدفمند و محدودیت‌های فناوری، همگی نشان می‌دهند که «قانون» جای خود را به «قدرت» داده است. در چنین شرایطی کشورهایی که فاقد

در یک حالت انتزاعی اگر تصور شود که برابر توصیه و خواست مخالفان مذاکره، هرگونه گفت‌وگو با ایالات‌متحده و نمایندگان متوقف شود، آنگاه پیش‌نهاد همین مخالفان برای پایان دادن به جنگ ایران و ایالات‌متحده چیست؟ این افراد می‌گویند باید آنقدر با ایالات‌متحده جنگید که ایالات متحده و رهبران کاخ سفید در مقابل ایران تسلیم و مجبور به پذیرش خواست‌های ایران شوند. اما آیا این سناریو قابل تحقق است؟ محمداقبر قالیباف، رییس هیات مذاکره‌کننده ایرانی که مورد حمله و تهاجم مخالفان مذاکره قرار گرفته، هر چند تصریح می‌کند که کشورمان به لحاظ مستدام و ارتش ایالات متحده را ایالات متحده هم به لحاظ استعداد نظامی و هم به لحاظ لجستیک و تجهیزات نظامی بر ایران برتری دارد و تصور اینکه ایران بتواند ارتش ایالات متحده و فرماندهی سنتکام را نابود کند، تصور فقیق و واقعی نیست. روشن است که اگرچه ایران ضرایب مهم و دردناکی به ارتش آمریکا وارد کرد اما نه توانسته و نه اعلام این دو مقام سابق کشورمان را می‌کنند. در واقع مخالفان شخصی این افراد یا مخالفان سیاسی مذاکره، نمی‌خواهند با ترجیح می‌دهند که نخواهند بپذیرند و بدانند که در هنگام پذیرش و امضای توافق برجام، متن نگاشته شده در حدیضاعت ایران و توانایی‌هایش بهترین متن ممکن و قابل اجرا بوده است.

آخرین تیر را شلیک می‌کند پیروز میدان خواهد بود و هرگونه که ارزیابی شود، آخرین تیر از جانب ایرانیان شلیک نخواهد شد. اکنون اثبات شده که راحل خاتمه دادن یا خاتمه یافتن یک مورد منازعه، آن هم منازعه خونین مانند جنگ، به وسیله ایکی از دو راه تسلیم و اشغال یا مذاکره و مصالحه امکان‌پذیر است. به جز این دو راه هیچ راه دیگری وجود ندارد و در هیچ نقطه‌ای از تاریخ نمونه‌ای که از راهی به جز دو راه گفته شده به جنگ پایان داده باشند مشاهده نمی‌شوند. در دوران معاصر نیز یا مانند ژاپن کشورها تسلیم شدند یا مانند عراق کشور اشغال شد و جنگ پایان یافت. حتی باتلاق ویتنام که بسیاری از آمریکایی‌ها را به کام خود کشید و نابود کرد، سرانجام از طریق مذاکره و واشنگتن و هائوئی پایان قطعی پیدا کرد. به این ترتیب جنگ حاضر میان ایالات متحده و ایران که با تسلیم طرفین یا اشغال ایران خاتمه پیدا نکرد، حتما و تنها می‌تواند از طریق مذاکره و گفت‌وگو پایان بپذیرد. روشن است که وقتی از مذاکره سخن به میان می‌آید، منظور به دست آوردن یا ارائه دادن آنچه با جنگ حاصل نشده، نیست بلکه رسیدن به نقطه مورد توافق هر دو طرف برای پایان یافتن منازعه بوده. روشن است از آنجا که ایالات متحده نتوانسته در اجرای اهدافش علیه کشورمان توفیقی به دست آورد، دست بالاتر را در این گفت‌وگوها ندارد. در عین حال پرسش مهم آن است که اگر در اثر مذاکره، نقطه مشترکی حاصل و توافقی تحصیل شود

آیا زیر پا گذاشتن توافق و نقض تعهدات را می‌توان به حساب ضعف مذاکره یا مذاکره‌کنندگان گذاشت و اصل توافق را زیر سوال برد؟ آیا یک مورد مذاکره موفق یا مذاکره‌کنندگان قدرتمند می‌تواند امکان زیر پا گذاشتن توافق را از طرفین توافق سلب کند؟ تجربه‌های تاریخی چه در اروپا و چه در کشورهای دیگر به دو سوال بالا پاسخ منفی می‌دهد. حتی وقتی بهترین توافق شده، باز هم می‌تواند مورد نقض قرار گیرد و زیر پا گذاشته شود. حتی وقتی جامعه جهانی در طرف حمایت از توافق قرار دارد - مانند توافق زیست محیطی پاریس - باز هم یک طرف - ایالات متحده - می‌تواند از توافق خارج شود و مفاد آن را زیر پا گذارد و توانی هم برای واکنش در نزد هیچ کس نباشد. نکته‌ای که مخالفان مذاکره و منتقدان توافق‌های پیشین معمولاً در نظر نمی‌گیرند حرکت بر اساس واقعیت‌هاست. آیا اگر ایران می‌توانست همه سربازان ایالات‌متحده در بارگاه‌ها و شوالرهای کشورها و آب‌های نزدیک ایران را به هلاکت می‌رساند؟ آیا همه لوله‌ها و پایگانه‌های آمریکا را نابود نمی‌کرد؟ اینکه واشنگتن و طرفین منازعه هنوز در خلیج فارس می‌کند، واقعیت و توان و ظرفیت نظامی برای به دردر نماندن ایران برخوردارند. به چه معناست؟ خوب است مخالفان مقداری از اوهام خوب که در قالب آرمان‌گرایی ارائه می‌شود فاصله بگیرند و پیشانی را روی زمین بگذارند.

ادامه سرمقاله

رییس جمهور توجه ندارد که شهروندان ایرانی از سال گذشته تا اسامال با چه نرخ تورم آفساز گسترده‌ای برای خرید کالا‌هایی مثل گوشت و برنج و مرغ و لبنیات و... روبرو شده‌اند و دیگر توفی برای خرید ندارند. آقای رییس جمهور توجه داشته باشند شهروندان نیز با مندارا و بردباری در برابر نرخ تورم شتابان و تحمل سختی‌های بسیار توان داده و سهم خود را در برابر وضعیت جنگی پرداخت کرده‌اند. قطعی اینترنت و از دست دادن هزاران هزار شغل از این مسیر و نیز احتمال بیکاری گسترده در دیگر بخش‌ها و به کارگیری نیروی کار با مزدهای

ایران مورد تاکید قرار گرفته، «بازراندگی هوشمند» است یعنی حفظ توان اثرگذاری، بدون حرکت به سمت درگیری پرهزینه. **نگرانی غرب از «سابقه‌سازی»** یکی از نکات قابل توجه در تحلیل بالدوین، نگرانی او از گسترش این الگو به سایر مناطق جهان است. اشاره به احتمال الگوگیری کشورهایی که بر گلوگاه‌های حیاتی تسلط دارند، نشان می‌دهد که مسأله صرفاً ایران نیست بلکه تمییزی ساختاری در حال وقوع است. برای نمونه، تنگه مالاکا نیز می‌تواند در چنین چارچوبی به یک ابزار فشار تبدیل شود. اگر این روند گسترش یابد نظام تجارت جهانی با چالشی جدی مواجه خواهد شد؛ چالشی که می‌تواند به بازتوزیع قدرت در سطح بین‌المللی منجر شود. با وجود تمام این تحولات، یک واقعیت مهم نباید نادیده گرفته شود: ایران نیز بخشی از همین نظام اقتصادی جهانی



دفاع صریح و قاطع مسعود پزشکیان از راهبرد دیپلماسی

مذاکره به معنای تسلیم نیست

رییس جمهور که با آغاز حملات امریکا و اسرائیل به خاک ایران، کمتر از گذشته در فضای رسانه‌ای و عمومی اظهارنظر می‌کند، روز گذشته صراحتاً از راهبرد دیپلماسی و مذاکره دفاع کرد. مسعود پزشکیان که در نشست کارگروه بازسازی خسارات ناشی از جنگ حاضر شده بود، با تاکید بر اینکه ملت ایران در برابر دشمن هرگز سر خم نخواهد کرد، گفت: «اگر سختی از گفت‌وگو یا مذاکره مطرح می‌شود، معنای آن تسلیم یا عقب‌نشینی نیست بلکه هدف، احقاق حقوق ملت ایران و دفاع مقتدرانه از منافع ملی است.»

سرمقاله

بر اساس اوهام تصمیم نگیرد

نادر کریمی جونی

بحث‌های تندی درباره اینکه برای پایان دادن به جنگ ایالات متحده آیا می‌توان از هنر مذاکره استفاده کرد و با مذاکره به اهداف و خواست‌های کشور دست یافت یا نه، صورت گرفته است به‌ویژه در تجمع‌های خیابانی که به نظر می‌رسد غلظت مخالفت با مذاکره بیشتر و قوی‌تر است، افرادی با دادن شعار و در دست گرفتن تراکت و پلاکارد مذاکره‌کنندگان ایرانی را به خیانت متهم و با هیجان آنان را از ادامه گفت‌وگو با طرف‌های آمریکایی نهی می‌کنند. نگارنده خود در برخی مراکز مهم تجمع‌های خیابانی حاضر شده و نه فقط اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و بیانیه‌های این مخالفان را مطالعه کرده بلکه به سخنرانی و استدلال ایشان گوش داده است. محور همه یا دست کم اکثر این واکنش‌ها مخالفت با مذاکره با طرف آمریکایی است و مدافعان این مخالفت می‌گویند که برای پایان دادن به جنگ ۴۰ روزه باید مسیرهای دیگری مورد استفاده قرار گیرد.

ادامه در همین صفحه

تقدروژ

آقای پزشکیان مردم صرف‌جو شده‌اند

محمدصادق جنان صفت

مسعود پزشکیان بر اساس قانون اساسی و در منصب ریاست‌جمهوری، نفر اول اجرایی کشور و مقام دوم در این نظام سیاسی است. وی که با آرای بخشی از شهروندان به این مقام دست یافته نزدیک به ۷۰ روز است در حالی که ایران و ایرانیان درگیر جنگ با دشمنان تاریخی جمهوری اسلامی هستند ترجیح داده درباره مدیریت جنگ چیزی نگوید و کار تفویض اختیارات را ادامه دهد. وی اما در این مدت سخنرانی‌ها و دستورهای ارائه کرده که بیشتر در بستر تأمین مواد خوراکی و نیز آرزوی تثبیت قیمت‌ها بوده و هست. وی در تازه‌ترین سخنرانی خود گفته است: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران وظایف خود را در مقابله با دشمن به خوبی انجام می‌دهند و مردم نیز باید با صرف‌جویی در مصرف انرژی، سهم خود را در این میدان ایفا کنند.

ادامه در همین صفحه

پرسش‌روز

دولت جواب این اقتصاددان را می‌دهد؟

یکم - حسین راغفر، اقتصاددان ایرانی گفته است «هیچ دولتی تاکنون این حجم از شوک ارزی را به کشور وارد نکرده که دولت چهاردهم وارد کرد. این دولت نرخ ارز را در حالی تحویل گرفت که دلار ۴۸ هزار تومان بود و اکنون این عدد به نزدیک ۱۹ هزار تومان رسیده است. در هیچ جای دنیا در این بازه زمانی، پول ملی تا این اندازه سقوط ارزش را تجربه نکرده است... من شخصا فکر نمی‌کنم این تصمیم‌ها فقط ناشی از جهل مسولان باشد بلکه آمیزه‌ای از جهل، طمع و نفوذ سیاسی است. بهترین روش برای براندازی سیاسی، اعمال سیاست‌های غلط اقتصادی است.»

دوم - عجب متن تندی برای ستون پرسش روز انتخاب شده است. حالا هدف چیست؟

سوم - هدف از درج سخنان اقتصاددان نام‌برده شده این است که دولت چهاردهم به چند پرسش پاسخ دهد. خوب، این پرسش‌ها چه هستند؟

چهارم - پرسش اول درباره اتهام سیاسی بوده که به این دولت وارد شده و آن اتهام «براندازی سیاسی» است. ببینید آقای راغفر می‌گوید «در این تصمیم‌ها» یعنی تصمیم برای کاهش ارزش ریال داستان «نفوذ» نیز سهم دارد. دولت چهاردهم باید پاسخ دهد آیا تحلیل آقای راغفر بر اساس اطلاعاتی است که دارد یا اینکه تنها تفسیر می‌کند. واقعیت این است که چنین تحلیل‌هایی می‌تواند در داوری‌ها اثر بگذارد. داستان ارائه‌شده چیز کمی نیست و دولت باید پاسخ دهد.

پرسش دوم این است که آیا دولت از سر اراده و به‌طور عمدی ارزش ریال در برابر دلار را پایین آورده است یا شرایط اقتصادی - سیاسی کشور گونه‌ای بود که جز این راهی نبود؟ در دولت کارشناسان و اقتصاددانان ورزیده‌ای وجود دارند که می‌توانند در این‌باره و سهم دولت در افزایش قیمت دلار در بازار آزاد توضیح دهند. به‌طور مثال رییس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد و نیز معاون اول که رییس تیم اقتصادی است می‌توانند پاسخ دهند. پاسخ ندادن یعنی قبول داوری آقای راغفر.

سازمان آگهی شهرستان‌ها

از سراسر کشور

نماینده فعال می‌پذیرد

www.jahanesanat.ir

سازمان آگهی روزنامه جهان صنعت

۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴

۸۸۶۱۰۰۱۹-۲۱





خبر

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا روایت کرد

دیدار سرلشکر عبدالهی با رهبری



ایستنا- روابط عمومی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در اطلاعیه‌ای از دیدار فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا با فرمانده کل قوا حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای خبر داد و اعلام کرد که سرلشکر پاسدار خلیان علی عبدالهی در جریان این دیدار، گزارشی از آمادگی‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران امم از ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای انتظامی امنیتی و مرزبانان کُشور، وزارت دفاع و بسیجیان قهرمان ارائه کرد. در ادامه این اطلاعیه آمده است: «فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در این گزارش اظهار داشت: آحاد رزمندگان اسلام به لحاظ روحیه رزم آمادگی دفاعی و هجومی، طرح‌های راهبردی و تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز برای مقابله با اقدامات خصمانه دشمنان آمریکایی-صهیونی از آمادگی بالایی برخوردار هستند و در صورت هرگونه خطای راهبردی، تعرض و تجاوز از سوی آنان با سرعت عمل، پرشده و پرقدرت با آن برخورد خواهند نمود.» همچنین بنابر این گزارش، سرلشکر پاسدار خلیان علی عبدالهی از سوی آحاد رزمندگان اسلام و نیروهای مسلح به فرمانده معظم کل قوا اطمینان دادند که با تبعیت کامل از فرامین معظم له تا پای جان و تا آخرین نفس از آرمان‌های انقلاب اسلامی، سرزمین عزیزمان ایران، حاکمیت و منافع ملی و ملت غیرمتعد و شجاع ایران دفاع کرده و دشمنان خبیث، کینه‌توز و متجاوز را از بنات پلید و تجاوزکارانه خود پشیمان خواهند نمود همچنین در بخش پایانی این اطلاعیه آمده است: «در این دیدار فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای ضمن قدردانی از آحاد رزمندگان سلحشور و شجاع و نیروهای مسلح مقتدر کُشور، به‌دنبال تدابیر قبلی خود در طول جنگ تحویلی سوم (جنگ رمضان) که در پروتو عنایات الهی پیروزی‌های شگفت‌انگیزی را به‌دنبال داشت و دشمنان را در دستیابی به اهداف پلیدشان ناکام گذاشت تدابیر جدید و راهگشایی برای تداوم اقدامات و مقابله مقتدرانه با دشمنان را ابلاغ فرمودند»

از طریق میانجی پاکستانی پاسخ ایران به متن پیشنهادی آمریکا ارسال شد

ایرنا- پاسخ جمهوری اسلامی ایران به متن پیشنهادی ایالات متحده آمریکا ارسال شده است. براساس طرح پیشنهادی، در این مرحله مذاکرات متمرکز بر موضوع خاتمه جنگ در منطقه خواهد بود بنابر این گزارش، پاسخ جمهوری اسلامی ایران به آخرین متن پیشنهادی آمریکا برای خاتمه جنگ، امروز(دیرروز) به میانجی پاکستانی ارسال شد. سخنگوی وزارت خارجه پیش از این چند نوبت اعلام کرده بود که دیدگاهها و ملاحظات ایران راجع به پیشنهادهای آمریکا، بعد از تکمیل بررسی‌ها و جمع‌بندی نهایی، ارسال خواهد شد. این در حالی است که براساس طرح پیشنهادی، در این مرحله مذاکرات متمرکز بر موضوع خاتمه جنگ در منطقه خواهد بود.

وزیران امور خارجه ایران و قطر گفت‌وگو کردند رابزنی عراقیچی با همتای قطری درباره مذاکرات پایان جنگ



ایلنا- وزیران امور خارجه ایران و قطر روز یکشنبه (۲۱ اردیبهشت‌ماه، ۱۴۰۴) در ادامه رابزنی‌های منطقه‌ای تلفنی با یکدیگر رابزنی و گفت‌وگو کردند. سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در تماس تلفنی با شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر، پیرامون آخرین تحولات منطقه‌ای و روندهای جاری دیپلماتیک به تبادل نظر پرداخت. براساس این گزارش، وزیر خارجه قطر در جریان سفری که به آمریکا داشت، براساس اعلام منابع خبری در روز جمعه و شنبه با جی‌دی وینس معاون ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا که ریاست هیات مذاکره‌کنندگان آمریکا در جریان مذاکرات اسلام‌آباد را برعهده داشت، دیدار و گفت‌وگو کرد. وزیر امور خارجه قطر همچنین در جریان سفر اخیر خود به آمریکا با مارکو ریبویو و استیو ویتکاف، مذاکره‌کنندگان ارشد ایالات متحده نیز دیدار و رابزنی کرده است. گفته می‌شود محور دیدارهای وزیر امور خارجه قطر و معاون رییس‌جمهور و عضو ارشد تیم مذاکره‌کنندگان ایالات متحده، تحولات غرب آسیا و مباحث مربوط به توافق احتمالی ایران و آمریکا برای پایان جنگ بوده است. همچنین براساس اعلام منابع خبری، وزیر امور خارجه و نخست‌وزیر قطر روز یکشنبه با محمد شهیاز شریف نخست‌وزیر پاکستان نیز به صورت تلفنی رابزنی کرده و طرفین در جریان این تماس تلفنی در مورد اوضاع منطقه و بحران ایران و آمریکا و آخرین تلاش‌ها برای حل این بحران گفت‌وگو کردند.

نشست ستاد هماهنگی اقتصادی برگزار شد دستور عارف برای برخورد قاطع با گران‌فروشی و احتکار



ایستنا- معاون اول رییس‌جمهور روز گذشته در سخنانی به تشریح شرایط کنونی کشور پس از حملات آمریکا و اسرائیل به خاک ایران پرداخت و در بخشی از سخنان خود، تجربه مدیریت کشور در شرایط جنگی اخیر را موفق توصیف و لزوم تدوین برنامه‌های اقتصادی متناسب با جایگاه جدید ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی تأکید کرد. محمدرضا عارف در نشست ستاد هماهنگی اقتصادی دولت که به ریاست او برگزار شد، با ارزیابی عملکرد دولت در مدیریت شرایط ویژه اخیر گفت: «تجربه اداره کشور در دو مقطع جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، تجربه‌ای موفق بود و لازم است از تلاش‌های مدیران، کارکنان دولت و تمامی بخش‌های اجرایی قدردانی شود.» معاون اول ریاست‌جمهور همچنین با اشاره به تغییر جایگاه جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ رمضان در معادلات منطقه‌ای و جهانی دستور داد برنامه‌ها و طرح‌های جدید به‌ویژه در حوزه اقتصادی، متناسب با این جایگاه و در تراز یک قدرت بزرگ طراحی شود.» عارف همچنین با اشاره به فشارهای ناشی از جنگ رمضان و تحریم‌ها، نهادهای نظارتی را موظف کرد که با گران‌فروشی احتکار، قاطع و بدون اغماض برخورد کنند. معاون اول رییس‌جمهور درباره علت برخی افزایش قیمت‌ها گفت: «بخشی از گرانی‌ها ناشی از مشکلات بین‌المللی، جنگ رمضان، تحریم‌های ظالمانه و محاصره‌ای است که دشمن به کشور تحمیل کرده اما بخش دیگری از این مشکلات به گران‌فروشی و احتکار بازمی‌گردد.» او با تأکید بر لزوم برخورد جدی با این اختلالات، از نهادهای نظارتی، اصناف و سازمان تعزیرات خواست برخوردی قاطع، جدی و غیرقابل اغماض با گران‌فروشی و احتکار داشته باشند. معاون اول رییس‌جمهور یادآور شد: «تعداد کسانی که اقدام به احتکار یا گران‌فروشی می‌کنند اندک است و بیشتر اصناف و تولیدکنندگان در دوران جنگ جنج سود خود را کاهش دادند و هر آنچه در توان داشتند برای خدمت به مردم و کشور به کار گرفتند.» عارف در پایان با اشاره به شرایط کشور تصریح کرد: «به‌زودی پیروزی ملت ایران در جنگ رمضان را جشن خواهیم گرفت و وارد مرحله جدیدی خواهیم شد بنابرین همه دستگاه‌ها و بخش‌های مختلف باید خود را برای شرایط جدید کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه و جهان آماده کنند»

ایران

«جهان صنعت» از پشت پرده هجمه‌های سیاسی- رسانه‌ای تندروها علیه ۲ تحلیلگر میانه‌رو گزارش می‌دهد

علیه صدای عقلانیت

گرده سیاسی- دادستانی تهران علیه عباس عبدی، صادق زیباکلام و همچنین دو رسانه‌ای که طی روزهای گذشته بنابر وظایف ذاتی خود اقدام به انتشار دیدگاه‌های این دو تحلیلگر سیاسی کرده‌اند، اعلام جرم کرده است. آن‌طور که میزان در خبر روز گذشته خود اعلام کرد: «هفته گذشته در پی انتشار یادداشتی از سوی عباس عبدی در روزنامه اعتماد و مصاحبه صادق زیباکلام با خبرگزاری آنا، دادستانی تهران علیه هر دو نفر و رسانه‌های منتشر کننده این اظهارات اعلام جرم کرد تا پرونده آنها مورد رسیدگی قرار بگیرد.»

اما مگر عباس عبدی و صادق زیباکلام در روزنامه اعتماد و خبرگزاری آنا چه گفته بودند که مجرمانه تشخیص داده شده است؟ ماجرا از این قرار بود که عباس عبدی، ستون‌نویس روزنامه اعتماد که چند دهه گذشته را به‌طور مستمر در فضای مطبوعاتی و رسانه‌ای کشور قلم زده، به‌تازگی در یادداشتی با عنوان «نتیجه‌تجمل و تبعیض رسانه‌ای» که در شماره ۱۱۶ دیهشت‌ماه اعتماد منتشر شد، به پیامدهای خطرناک حدود ۷۰۰ روز قطع اینترنت و ممانعت از گردش آزاد اطلاعات در کشور پرداخت و در بخشی از تحلیل خود نیز، از نوع رفتار و گفتار شماری از نمایندگان مجلس و نیروهای سیاسی انتقاد کرد؛ همان‌هایی که یک روز بدون ارائه سند و مدرک، از قول رهبری موضع‌گیری می‌کنند و روز دیگر، در برنامه‌های تلویزیونی با ادبیاتی شدیداً تحریک‌آمیز و موهن علیه کشورهای همسایه سخن می‌گویند.

عباس عبدی و صادق زیباکلام چه گفته‌اند؟! با این همه تا این‌جای کار اتفاق عجیبی رخ نداده بود. کما اینکه در این پیش از «۷۰۰روز» که دسترسی میلیون‌ها ایرانی گزیده به اینترنت مسدود و بدون ارائه توضیحی روشن و معقول، حق دسترسی آزاد آنان به اطلاعات طبقاتی و پرهزینه شده، انتقادها به این سیاست نابخردانه روزبه‌روز افزایش یافته است. همان‌طور که نقد ادبیات و نوع گفتار تندروهای بیرون و درون مجلس نیز موضوع تازهای نیست و در این هفته‌ها، ماه‌ها، همان‌زمان با افزایش سرسالم‌رور این نوع موضع‌گیری‌های غیرملی، طبیعی بود که دلسوزان کشور نسبت‌به پیامدهای خطرناک این رفتار و گفتار هشدار دهند. با این همه، این بار درحالی که توجه رسانه‌های نزدیک به طیف تندروی اصولگرا چندان به سخنان صادق زیباکلام معطوف نشد، یادداشت عباس عبدی، ناگهان با موجی از واکنش‌ها و حملات سیاسی-رسانه‌ای مواجه شد؛ حملاتی که اگرچه سند و مدرک قطعی برای اثبات هماهنگی و سازمادهی آنها در دست نیست، اما مستردگی، شدت و به‌سازمانی آن‌ها، هم‌چنان‌که گویانه است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت و همه این واکنش‌ها را صرفاً تصادفی یا پراکنده تلقی کرد. فارغ از اینکه این حملات واقعا سازمادهی شده بوده یا نه، آنچه روشن است این است که فشارها تا حدی سنگین بوده که نهنها عباس عبدی را شخصاً وادار به واکنش کرده بلکه به‌رپوز بهزادی، مدیرمسول روزنامه اعتماد را نیز ناگزیر از پاسخ‌گویی کرده است به‌ویژه آنکه هم‌زمان با انتشار انبوهی از گزارش‌ها و یادداشت‌های تند در رسانه‌های طیف افراطی اصولگرا، یک شبه کارزار مجازی نیز در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده که فراتر از نقد رسانه‌ای، صراحتاً خواستار برخورد قضایی و امنیتی با نویسنده یادداشت و حتی



تعلیلی روزنامه اعتماد شده است؛ گویی این جماعت در کمین فرصتی هستند تا درهای همین کشور را نیز تخته کنند و سپس با خیالی آسوده، از پشت تریبون‌های گسترده‌ای که در صداوسیما، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های رسمی در اختیار دارند، هرچه می‌خواهند بگویند و هر که را از قیافاش خوششان نمی‌آید، خانه‌نشین کنند!

عباس عبدی که در ۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۴، ظاهراً به این نتیجه رسیده بود که یادداشت‌نویسی در شرایطی که هزاران معترض در خیابان‌ها سرکوب شده‌اند، دیگر موضوعیت ندارد و از نوشتن دست‌نویس آزاد آنان به اطلاعات طبقاتی و پرهزینه شده، بازگشت چراکه احساس می‌کرد وطن و هوموطنانش در جنگی نابرابر تنها ماندند و باید بار دیگر در جبهه رسانه ایستاد. او در یکی از آخرین یادداشت‌هایش به یکی از جنبه‌های کمتر دیده شده ناملایمات این جنگ پرداخت و ضمن انتقاد از تندروهای بیرون و درون مجلس که در «فضای ملتهب کنونی» مسائلی را مطرح می‌کنند که «یا دروغ است یا مرجمی برای تأیید و رد آن وجود ندارد و کسی هم جرات تکذیب عمومی آن ندارد»، وضعیت سفغلی‌شده فضای سیاسی و افکار عمومی را توصیف کرد و نوشت: «متأسفانه جریان سیاسی طرفدار جنگ با هدف پایان یافتن زیست متعارف در ایران، آزاد است هر رفتار رسانه‌ای داشته باشد در مقابل، دستان جریان طرفدار کوشش برای رسیدن به توافق پایدار و به سود ایران، نسبتاً بسته است و جریان سوم سب‌نایرانی نیز آزادانه از رسانه‌های فرامرزی کار خود را می‌کند.» این روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب همچنین با این هشدار بوده یا نه، آنچه روشن است این است که فشارها تا حدی سنگین بوده که نهنها عباس عبدی را شخصاً وادار به واکنش کرده بلکه به‌رپوز بهزادی، مدیرمسول روزنامه اعتماد را نیز ناگزیر از پاسخ‌گویی کرده است به‌ویژه آنکه هم‌زمان با انتشار انبوهی از گزارش‌ها و یادداشت‌های تند در رسانه‌های طیف افراطی اصولگرا، یک شبه کارزار مجازی نیز در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده که فراتر از نقد رسانه‌ای، صراحتاً خواستار برخورد قضایی و امنیتی با نویسنده یادداشت و حتی

این‌دست تصمیمات و از همه مهم‌تر طرح ادعا‌هایی درباره مذاکره است. آن‌طور که پایگاه خبری-تحلیلی رویداد ۲۴ در گزارشی در این رابطه نوشته، عبدی پیشنهاد کرده بجای زدن زیر میز مذاکره، توافق کنند و سپس برای تأیید نظر مردم، آن را به رفتارنوم بگذارند. با این حال ظاهراً آنچه بیش از همه پناه را به دست تندروها داد، جملات پایانی این یادداشت بود؛ جایی که عباس عبدی نوشت: «بدر این‌که اکثریت مردم هم با تصمیماتی که یک اقلیت رزتی از کف خیابان تحمیل کنند، همدلی نخواهند داشت؛ مبدا هم چوب خورده شود و هم پیاز!» درنهایت، آنچه موج حملات را «مشروع» کرد، بیش از هر چیز همان عبارت «اقلیت رزتی» بود؛ عبارتی که عباس عبدی اصرار دارد به‌روشنی با واژه «یک» محدود شده و اساساً ناظر به تمامی افرادی که در تجمعات خیابانی حاضر می‌شوند، نیست بلکه صرفاً بخشی خاص و صاحب‌نقوذ و تریبون در میان آنان را خطاب قرار می‌دهد. هم‌زمان صادق زیباکلام نیز در گفت‌وگویی با خبرگزاری آنا که درست در همان روز ۱۶ اردیبهشت‌ماه و با تیتر «مقام مقتدرتر شده» منتشر شد، با اشاره به «تاب‌آوری باورنکردنی مردم ایران»، تأکید کرده بود که «هیچ‌کس تصور نمی‌کرد نظام جمهوری اسلامی در برابر دو تا از بزرگترین و مجهزترین و درنده‌ترین ارتش‌های دنیا نتواند ایستادگی کند» البته طبیعتاً این بخش از صحبت‌های این استاد دانشگاه باوجود آنکه درواقع محور اصلی صحبت‌های او بود، زمین‌ساز اعلام جرم علیه او نشده بلکه آنچه او در حاشیه این بحث اصلی، در نقد دهها آمریکاستیزی و تبدیل شدن آن به ایندولوزی اصلی و مرکزی جمهوری اسلامی مطرح کرد، این دردرس‌فضایی را برای او و رسانه‌ای که با او مصاحبه می‌کرد، رقم زد؛ هرچند او در این بخش از صحبت‌هایش نیز حرف عجیب و غریبی که درست‌گم در توافق پایدار و به سود کشور، زبان‌نیورده بود، او گفته «شما همیشه کفرخواستار علیه آمریکا یک‌سویه است؛ هیچ‌وقت نگفتید که ما چه‌کار کردیم»

انگیزه‌های پیدا و پنهان مخالفت با صدای عقلانیت

اما در شرایطی که در روزهای گذشته، میزان حملات به عباس عبدی با حملاتی که علیه صادق زیباکلام صورت گرفت، قابل مقایسه نیست، در ادامه بیشتر بر آنچه درپی انتشار یادداشت عباس عبدی رقم خورد، متمرکز خواهیم شد؛ هرچند باید تأکید کنیم که هدف این گزارش دفاع از عباس عبدی نیست، او لااوه خوبی قادر است از خود دفاع کند و تاکنون نیز چنین کرده است؛ ثانیاً آنچه در این ماجرا اهمیت دارد، فراتر از یک اختلاف شخصی یا حتی صغی است. واقعیت آن است که این حجم از حملات علیه یک یادداشت‌نویس مطبوعاتی، پرده از حقیقتی بزرگ‌تر برمی‌دارد؛ اینکه حتی بستن بخش بزرگی از روزنه‌های اجتماعی نیز برای این جریان تندرو کافی نیست و آنان ظاهراً هیچ صدایی، جز صدای تمجید و تأیید را برنمی‌تابند و جریان خالص‌ساز در موقعیت حساس کنونی، نهنها تضعیف نشده بلکه تقویت هم شده است. تندروهایی که امروز به عباس عبدی، صادق زیباکلام و دو رسانه میانه‌رو عمل می‌کنند و فرد معلوم نیست برای فتح کدام سنگر ویرانه جامعه مدنی، بسیج خواهند شد؛ تندروهایی که بپوسه در تلاشند تا انتقام شکست‌های سیاسی و اجتماعی سال‌های گذشته خود را از جریان میانه‌رو و اعتدالی بگیرند؛ شکست‌هایی که اتفاق بخش مهمی از آن، محصول همان رویکرد افراطی و رادیکالی است که امروز نیز ادامه دارد. این مساله به‌روشنی در متن واکنش‌های منتشرشده علیه عبدی قابل مشاهده است. چنانکه جحت‌الاسلام مصطفی رستمی، رییس نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، در یادداشتی که تسنیم منتشر کرد، مدعی شد عباس عبدی با استفاده از تعبیر «اقلیت رزتی»، در واقع «مردم» را هدف قرار داده و به آنان «توهین» کرده است. او نیز نوشت: «جمهوری اسلامی اگر از اقلیت ترسی داشت، باید رای ملت در ۸۸ را نادیده می‌گرفت» ادعایی که در تمام این سال‌ها بارها از تریبون‌های رسمی تکرار شده، درحالی‌که هنوز رهبران جنبش سبز پس از گذشت بیش از ۱۵ سال در حصر بهسر می‌روند و حتی فرصت دفاع علنی نیز از آنان سلب شده است. این اتفاقاً دقیقاً همان مساله اصلی است که عباس عبدی در یادداشت خود به آن پرداخته و نسبت‌به پیامدهای خطرناکش برای منافع ملی

آنجا بود که در یک موضع‌گیری صریح از راهبرد دیپلماسی و مذاکره دفاع کرد و گفت: «ملت ایران در برابر دشمن هرگز سر خم نخواهد کرد و اگر سخنی از گفت‌وگو یا مذاکره مطرح می‌شود، معنای آن تسلیم یا عقب‌نشینی نیست بلکه هدف، احقاق حقوق ملت ایران و دفاع مقتدرانه از منافع ملی است.» پژوهشگران با تأکید بر ضرورت حفظ روحیه همبستگی ملی، تقویت سرمایه اجتماعی و استمرار مشارکت عمومی در روند بازسازی و عبور از شرایط فعلی گفتند: «با اکتال به خلونند، همراهی مردم و هم‌افزایی همه ظرفیت‌های کشور، ملت ایران این مرحله را نیز با عزت و سربلندی پشت سر خواهد گذاشت.» پژوهشگران همچنین در نشست بررسی روند پیشرفت طرح

هشدار می‌دهد. تندروهای مخالف یادداشت عباس عبدی و صحبت‌های صادق زیباکلام، امروز خود را مدافع مردمی که در خیابان‌ها حاضر می‌شوند، جا می‌زنند و با استناد به نتایج نظرسنجی‌هایی که روشن نیست توسط چه نهادهی، تحت چه شرایطی و با رعایت چه استاندارد و معیاری انجام شده، ادعا می‌کنند که «بیش از ۲۰ میلیون نفر در تجمعات شبانه شرکت کرده‌اند»؛ ادعایی که حتی اگر بخواهیم چشم‌بسته، آن را بپذیریم، باز به معنای آن است که جمعیت قابل‌توجهی نیز با وجود آنکه قلیشان برای کشورشان می‌تپد، حاضر به حضور در این تجمعات نشده‌اند و این جمعیت هم با احتضاری شدن تریبون‌های خیابان روز به روز تقلیل رفته است.

از سوی دیگر یکی از دهها نکته مهم دیگری که در این بحث بی‌سروته مغفول مانده، وظیفه حاکمیتی در قبال شهروندان است. حاکمان باید نحوه خالی لیوان را ببینند و حتی اگر یک نظرسنجی کاملاً معتبر و قابل‌اعتماد، از این حکایت دارد که بخش بزرگی از جامعه، از یک راهبرد حاکمیتی حمایت می‌کنند، باید تمرکزشان را بر بخش دیگر جامعه متمرکز کرده و بررسی کنند که چرا دیگر شهروندان ایرانی، حاضر به چنین حمایتی نیست. حال آنکه در عمل می‌بینیم دست‌کم برخی مسوولان، ازجمله اغلب همین جماعت تندرویی که عباس عبدی و صادق زیباکلام نیز نسبت‌به پیامدهای رفتار و گفتارشان هشدار می‌دهد، صراحتاً مردمی را که به هر دلیل در این تجمع‌های شبانه حاضر نشده‌اند، «ترسو» می‌خوانند و با لحنی تحکم‌آمیز به آنان تهنیب می‌زنند که فورا «به سیل خروشان ملت بیبوندند» همان جماعتی که حتی از این نیز فراتر رفته و در روزهای گذشته، چنان‌که در ماجرای حملات غلامرضا قاسمیان به حسن روحانی و جواد ظریف شاهد بودیم، این روحانی نزدیک به طیف تندروی اصولگرا صراحتاً خواستار اعدام رییس‌جمهور و وزیر امور خارجه سال‌های نه‌چندان دور کشور شد. همان روحانی تندرویی است که سال گذشته هم در جریان سفرش به عربستان خبرساز شده بود آن‌هم در حالی که روابط ایران و عربستان بعد از حمله به سفارت عربستان در حال ترمیم بود؛ زمانی که او در مدینه، علیه مقام‌های ارشد دولت سعودی سخنانی کرد و به همین دلیل هم بازداشت شد.

چند پرسش ساده اما بی‌پاسخ چگونه وقتی یک نماینده مجلس، میلیون‌ها شهروند را در یک برنامه تلویزیونی «ترسو» خطاب می‌کند، هیچ‌کس نگران «توهین به مردم» نمی‌شود؟! چگونه تهدید به مرگ رییس‌جمهور و وزیر امور خارجه پیشین ایران در همین خیابان، هیچ‌یک از ناآشنان تکان نمی‌دهند؟! اما وقتی یک روزنامه‌نگار در یادداشتی مطبوعاتی در روزنامه‌ای با حداکثر چند هزار تیرازه، به رفتار و گفتار همین صاحبان تریبون‌های حاکمیتی که آشکارا مصداق نقض حقوق شهروندی است، انتقاد می‌کند یا یک استاد دانشگاه ضمن حمایت سفت و سخت از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، مدعی می‌شود که عقلاهی قوم را به مسائلی جز اینها نیز جلب کند تا گمان‌رگ‌های گردن‌تندرها متورم می‌شود؟! پرسش‌هایی ساده که اگرچه سال‌هاست به شکل‌های گوناگون و با عناوین تاریخی همچون «خالص‌سازی» مطرح می‌شوند و پاسخی روشن نیز دارند، انگار برای کسی مهم نیست و هیچ‌کس حاضر نیست به پاسخشان ببیند.

دفاع صریح و قاطع مسعود پزشکیان از راهبرد دیپلماسی؛ مذاکره به معنای تسلیم نیست



«محلجمحوری و مسجدمحوری»، سه محور اصلی «مشارکت مردم در صرفه‌جویی اقتصادی»، «مدیریت و تعدیل سطح توقعات عمومی در شرایط جنگ اقتصادی» و «جذب سرمایه‌گذاری و مشارکت مردمی برای آبادانی کشور» را از اولویت‌های مهم دولت برشمرد و با تأکید بر اهمیت فرهنگ‌سازی در حوزه صرفه‌جویی انرژی گفت: «اگر نتوانیم شرایط کنونی کشور را برای مردم به‌درستی تبیین و شفاف‌سازی و جامعه را برای عبور موفق از این شرایط با خود همراه کنیم، بخشی از اهداف دشمن در آسیب‌رساندن به اقتصاد کشور محقق خواهد شد.» رییس‌جمهور با اشاره به نقش مردم در حل ناترازی انرژی خاطر نشان کرد: «اگر هر یک از مردم عزیز ما تنها یک چراغ اضافه را خاموش کنند، قطعا کشور با مشکل برق مواجه نخواهد شد، کارخانه‌های برق نمی‌ماند و هیچ هزینه و فشار مضاعفی نیز به خانوارها تحمیل نمی‌شود.» او تصریح کرد: «کشور به‌شدت به صرفه‌جویی نیاز دارد و اگر بخواهیم تاب‌آوری ملی را افزایش دهیم، بدون همراهی مردم امکان‌پذیر نخواهد بود.» او بر این اساس خواستار آن شد که مسوولان پذیری همه اقشار جامعه باشند و با نگاه بازر، زمینه حضور و مشارکت همه مردم، به‌ویژه افراد متخصص، توانمند و اثرگذار را فراهم کنند.

آنجا بود که در یک موضع‌گیری صریح از راهبرد دیپلماسی و مذاکره دفاع کرد و گفت: «ملت ایران در برابر دشمن هرگز سر خم نخواهد کرد و اگر سخنی از گفت‌وگو یا مذاکره مطرح می‌شود، معنای آن تسلیم یا عقب‌نشینی نیست بلکه هدف، احقاق حقوق ملت ایران و دفاع مقتدرانه از منافع ملی است.» پژوهشگران با تأکید بر ضرورت حفظ روحیه همبستگی ملی، تقویت سرمایه اجتماعی و استمرار مشارکت عمومی در روند بازسازی و عبور از شرایط فعلی گفتند: «با اکتال به خلونند، همراهی مردم و هم‌افزایی همه ظرفیت‌های کشور، ملت ایران این مرحله را نیز با عزت و سربلندی پشت سر خواهد گذاشت.» پژوهشگران همچنین در نشست بررسی روند پیشرفت طرح

نه جنگ نه صلح؛ اقتصاد ایران در برزخ انتظار

هزینه تصاعدی بلا تکلیفی



احسان کشاورز - ۱۷ اردیبهشت دوفتکش ایرانی در آبهای جنوبی تنگه هرمز هدف قرار می‌گیرند. ساعاتی بعد سپاه پاسداران از «پاسخ سنگین» سخن می‌گوید و آتشی قدرتمند پاسخ می‌دهد اما همان شب واشنگتن اعلام می‌کند آتش‌بس «همچنان برقرار» و منتظر پاسخ رسمی تهران به‌سند ۱۴‌بندی پیشنهادی است. این تناقض شسلیک همزمان بیا مذاکره تهدید همزمان با تمدید آتش‌بس دقیق‌ترین تصویر از وضعیت است که ایران و جهان در آن گرفتار شدند: نه جنگ تمام‌عیار و نه صلح واقعی. برزخی که از نظر اقتصادی شاید از خود جنگ ویرانگرتر باشد.

۷۰ روز از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به‌ایران می‌گذرد. در این ۷۰ روز ایران جنگ دیده، آتش‌بس شنید، محاصره شد، مذاکره کرد و دوباره هدف قرار گرفت. تنگه هرمز بسته و محاصره دریایی آمریکا فعال ماند و اقتصادی که پیش از جنگ هم زخمی تحریم‌ها بود وارد سقوط آزاد شد. تورم نقطه‌ای ۷۳/۵ درصد رسیده و تورم مواد غذایی از مرز ۹۹ درصد عبور کرده است. دلار در بازار آزاد تا ۱۸۹ هزار تومان بالا رفت و هرچند به ۱۷۸ هزار تومان بازگشته هنوز ۳۵ درصد بالاتر از سطح قبل از جنگ ایستاده است. صندوق بین‌المللی پول انقباض ۱/۶ درصدی اقتصاد ایران را پیش‌بینی کرده و خسارت زیرساختی بین ۲۰۰ تا ۲۷۰ میلیارد دلار برآورد شده رقیمی معادل ۸۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی کشور.

اما آنچه بحران اقتصادی ایران را از بحران‌های مشابه متمایز می‌کند نه شدت ارقام بلکه جنس بلا تکلیفی حاکم بر آن است. در جنگ تمام‌عیار اقتصاد به «حالت بقا» سوئیچ می‌کند و دولت‌ها منابع را متمرکز می‌کنند. در صلح بازسازی آغاز می‌شود و سرمایه‌گذاری برمی‌گردد اما در برزخ «نه‌جنگ‌و نه‌صلح» هیچ‌کدام ممکن نیست. نه می‌توان اقتصاد جنگی ساخت چون رسماً جنگ نیست و نه می‌توان بازسازی چون هر لحظه احتمال از سرگیری درگیری وجود دارد. سرمایه‌فراز می‌کند، تجارت فلج می‌ماند و خانوارها در تله‌ای گیر می‌افتند که نه راه پیش دارد و نه راه پس.

دو سندی روی میز مذاکره است: پیشنهاد ۱۴‌بندی آمریکا و طرح ۱۰‌بندی ایران. فاصله میان آنها هزار فرسنگ است. در تهران جناح‌های متخاصم بر سر پیش‌پس یار مذاکره درگیرند و غیاب مرجع عالی تصمیم‌گیری پس از تور رهبر سابق فرآیند را پیچیده‌تر کرده است. سفر ترامپ به‌پکن در ۴ آوردهار بیست‌هفته نزدیک می‌شود و هر دو طرف می‌دانند رسیدن به آن تاریخ بدون توافق معاللات را تغییر خواهد داد. ساعت اقتصاد ایران دارد تیک‌تیک می‌کند و سوال این است: برزخ انتظار تا کی ادامه خواهد یافت و اقتصاد ایران چقدر دیگر تاب می‌آورد؟

گاه‌شمار ۷۰ روز بلا تکلیفی
تاریخچه ۷۰ روز گذشته روایت یک بلا تکلیفی سازمان‌یافته است. هربار که روزنه‌ای به سمت صلح باز شده رویدادی آن را بسته و هر بار که جنگ در آستانه تشدید بوده مذاکراتی آن را متوقف کرده است. این چرخه تکرار شونده نه تصادفی است و نه بی‌منطق. ساختار بحران به‌گونه‌ای است که هر دو طرف همزمان به جنگ و صلح نیاز دارند.

بازگشت به مبدا کمک می‌کند. ۲۸ فوریه حملات آمریکا و اسرائیل آغاز شد و ظرف چند روز ایران تنگه‌هرمز را بست. از آن لحظه جنگ دو جبهه پیدا کرد: جبهه نظامی در آسمان و دریا و جبهه اقتصادی در بازارهای جهانی انرژی. عمارس ترامپ اعلام کرد فقط «تسلیم بدون قید و شرط» پذیرفتنی است موضعی که فضای مذاکره را تقریباً مسدود کرد. ۱۸ مارس ایران مجتمع گازی رأس‌لقان قطر را هدف قرار داد و ۱۷ درمصد ظرفیت صادراتی آن را از مدار خارج کرد؛ اقدامی که هم پیامی به متحدان آمریکا بود و هم نشان داد تهران اهرم‌های محدود به‌هرمز نیست.

۲۵ مارس اولین پیشنهاد مکتوب آمریکا سندی باطنی از طریق پاکستان به تهران رسید و ایران آن را رد کرد. ۳۱ مارس پاکستان و چین مشترکاً «طرح پنج‌بندی صلح» ارائه دادند و برای نخستین‌بار چارچوبی ظاهر شد که هر دو طرف آن را بی‌درنگ رد نکردند. ۱۵ آوریل آمریکا پیشنهاد آتش‌بس ۳۵ روزه دومرحله‌ای مطرح و ایران بار دیگر رد کرد اما دوروز بعد طرح ۱۰‌بندی خودش را ارائه داد؛ نخستین نشانه آنکه تهران از مرحله «نه» به مرحله «اگر» رسیده بود.

۲۱ آوریل آتش‌بس دو هفته‌ای با میانجی‌گری پاکستان اعلام شد. بازارها نفس کشیدند اما واقعیت میدانی تغییری نکرد: تنگه هرمز بسته ماند و پنج‌روز بعد آمریکا محاصره دریایی متقابل علیه نادر ایران برقرار کرد. آتش‌بس «رسمی» بود اما عملاً هر دو طرف فشار اقتصادی‌شان را تشدید کردند. ۲۱ آوریل ترامپ ایران را به‌تنفیض آتش‌بس متهم کرد ولی در کمال تعجب به‌جای از سرگیری عملیات آتش‌بس را تمدید نمود. ۴ مه «پروژه آزادی» اسکورت نظامی کشتی‌ها در تنگه آغاز و ظرف ۴۸ ساعت متوقف شد. عمه رویو اعلام کرد عملیات نظامی «پایان یافته» و واشنگتن خواهان «فناهمه» است. و حالا ۹۶ مه

را ناممکن نکرده اما به‌شدت کند کرده است. در طرف آمریکا محدودیت‌های تصمیم‌گیری خودشان را به‌شکل تناقض در پیام نشان می‌دهند. ترامپ یک روز از «پیشرفت بزرگ» سخن می‌گوید و روز دیگر دو نفتکش ایرانی هدف قرار می‌گیرند. رویسو عملیات نظامی را «پایان‌یافته» اعلام می‌کند اما محاصره دریایی فعال می‌ماند. این تناقضات نشانه یک دولت فاقد استراتژی نبوده بلکه بازتاب فشارهای متعارضی است که کاخ سفید همزمان از متحدان منطقه‌ای، کنگره، بازارهای نفتی و افکار عمومی دریافت می‌کند. ترامپ می‌خواهد «برنده» باشد و این برتری باید هم برای جمهوریخواهان قانع‌کننده باشد، هم برای بازار کافی و هم برای متحدان ایران.

در طرف ایران پیچیدگی از جنس دیگری است. هر نظام سیاسی برای تصمیم‌گیری در بحران‌های بزرگ نیاز به مرجعیتی دارد که همه جریان‌های درونی آن را به رسمیت بشناسد. در ایران این مرجعیت هست اما پیچیدگی شرایط پیچیدگی خاصی در آن آفریده است. اقتصاد ایران در ۷۰ روز گذشته با یک واقعیت سیاسی دست‌وپنجه نرم کرده است: در شرایطی که شکاف میان جریان‌هایی که توافق را تنها راه نجات می‌دانند و جریان‌هایی که هر گونه سازش با آمریکا را رد می‌کنند عمیق‌تر از همیشه بوده رسیدن به موضع واحد بیرونی زمان‌بر و پرهزینه است. هر پیشنهاد ارائه‌شده باید از صافی این توازن داخلی پیچیده عبور و این فرآیند ضرابخانه مذاکرات را کند می‌کند.

مشکل اما فقط اختلاف‌نظر نیست که در نظام سیاسی‌ای طبیعی بوده بلکه مشکل زمان است. هر روزی که این فرآیند داخلی طول می‌کشد اقتصاد هزینه‌ای می‌پردازد که جبرانش سال‌ها طول می‌کشد. تورم ۲۳ درصدی، بیکاری میلیونی و ریزش قدرت خرید خانوارها بر خلاف خسارات زیرساختی بلافاصله پس از توافق متوقف نمی‌شوند. جامعه‌ای که ۷۰ روز با تورم ۹۹ درصدی غذا زندگی کرده حتی پس از توافق ماه‌ها طول می‌کشد تا بازار آرام بگیرد و اعتماد سرمایه‌گذار برگردد.

تجربه تاریخی مذاکرات ایران و آمریکا از برجام ۲۰۱۵ تا مذاکرات ۲۰۲۲ نشان می‌دهد فاصله میان «زندگی‌بدون به‌توافق» و «توافق واقعی» می‌تواند ماه‌ها طول بکشد اما آنچه این دوره را از دوره‌های قبل متمایز می‌کند این است: تحریم و تورم له می‌شوند. تورم نقطه‌ای براساس اما دست‌کم جنگ نبود. این‌بار به جنگ است، هم تحریم، هم تورم و هم خسارات میدانی. پنجره زمانی که مذاکرات در آن معنا دارد باز است اما نه برای همیشه. اقتصاد می‌تواند تحمل کند اما تحمل هم حد دارد و آن حد، هر روز کمتر می‌شود.

روزهای ترسناک اقتصاد ایران
اعداد اقتصاد ایران در اردیبهشت، ۱۴ چیزی فراتر از آمار هستند؛ هر رقم روایتی است از زندگی میلیون‌ها انسانی که زیر فشار همزمان جنگ و تحریم و تورم له می‌شوند. تورم نقطه‌ای براساس داده‌های مرکز آمار به ۷۳/۵ درصد رسیده اما این عدد رسمی تصویر واقعی را نشان نمی‌دهد. بانک جهانی تورم مواد غذایی ایران را ۹۹ درصد برآورد کرده؛ عددی که یک قدم تا ابرتورم فاصله دارد. نان و غلات ۱۴۰ درصد، گوشت ۱۳۵ درصد، روغن ۲۱۹ درصد و لبنیات ۱۱۷ درصد گران شدند. قیمت قند به ۱۲۵ هزار تومان و تخم‌مرغ به ۲۰ هزار تومان دانه‌ای رسیده است. این ارقام برای جامعه‌ای که پیش از جنگ هم با تورم ۴۸ درصدی دست‌وپنجه نرم می‌کرد به‌معنای فروپاشی قدرت خرید خانوارهاست.

ریال آینه تمام‌قد این فروپاشی است. دلار در بازار آزاد از حدود ۱۳۲ هزار تومان در ابتدای پاییز پارسال به اوج ۱۸۹ هزار تومان در ۱۴ اردیبهشت امسال رسید و هرچند با امید به مذاکرات به ۱۷۸ هزار تومان بازگشته هنوز

۳۵ درصد بالاتر از سطح قبل از جنگ است. نکته تلخ‌تر تاریخی است: ریال ایران از انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون ۲۰ هزار برابر در برابر دلار سقوط کرده و جنگ هرمز آخرین فصل این سقوط مملوم را رقم می‌زند. بانک مرکزی نرخ ترجیحی واردات را حذف کرده و عملاً اعتراف کرده که توان مداخله موثر در بازار ارز را ندارد. در سطح کلان تصویر بازهم تاریک‌تر است. صندوق بین‌المللی پول انقباض ۶/۱ درصدی اقتصاد ایران را برای ۲۰۲۶ پیش‌بینی کرده پس از رشد منفی ۲/۷ درصدی سال گذشته است یعنی دوسال متوالی کوچک‌شدن اقتصاد. خسارت زیرساختی ناشی از حملات هوایی قانع‌کننده باشد، هم برای بازار کافی و هم برای متحدان ایران.

در طرف ایران پیچیدگی از جنس دیگری شغل از دست رفته و ماهانه ۱۰ هزار شغل دیگر نابود می‌شود. تجارت ایران با چین بزرگ‌ترین شریک تجاری‌اش ۵۰ درصد سقوط سالانه داشته و فقط در مارس ۸۰ درصد کاهش یافت. درآمد نفتی ایران که شریان حیات بودجه دولت است روزانه ۵۰۰ میلیون دلار از دست رفته و کسری بودجه به ۱۸۰۰ تریلیون تومان رسیده است.

روزنامه دنیای اقتصاد سه‌سناریو ترسیم کرده که هر کدام مسیر متفاوتی از تورم را نشان می‌دهد. در سناریوی خوش‌بینانه یعنی توافق و بازگشایی تنگه تورم به ۴۹ درصد مهار می‌شود. در سناریوی «نه‌جنگ‌و نه‌صلح» که دقیقاً وضعیت فعلی است تورم به ۶۷ درصد می‌رسد و در سناریوی فاجعه‌بار جنگ مجدد ابرتورم ۱۲۳ درصدی در انتظار است. فاصله بین بهترین و بدترین سناریو ۷۴ واحد درصد است و سرنوشت اقتصاد ایران در همین طیف بلا تکلیف معلق مانده است.

هرمز؛ بمب ساعتی مذاکرات
در تمام پیش‌بینی‌ها و ضدپیش‌بینی‌ها ۷۰ روز گذشته یک‌نقطه ثابت وجود دارد: تنگه‌هرمز. هر سند مذاکراتی، هر آتش‌بس و هر بن‌بست سیاسی در نهایت به‌این باریکه ۳۹ کیلومتری بازمی‌گردد. دلپیش روشن است: هرگز هم اهرم اصلی ایران در مذاکرات است و هم بزرگ‌ترین مانع بر سر راه توافق. تهران و واشنگتن هر دو می‌دانند هر توافقی بدون حل مسأله تنگه بی‌مناسبت اما دقیقاً بر سر «حل» آن اختلاف بنیادین دارند.

موضع ایران صریح و بلندپروازانه است. تهران تنگه‌هرمز را نه یک موضوع قابل‌مذاکره بلکه یک «استادور راهبردی» تعریف کرده که حاضر به بازگرداندنش نیست، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس اعلام کرده ایران تمدید آتش‌بس بدون حفظ کنترل ایرانی بر تنگه را نخواهد پذیرفت. «سازمان اقتدار تنگه خلیج‌فارس» تأسیس شده از کشتی‌ها عوارض تردد دریایی می‌شود و نقشه جدید مسیرهای عبور از آب‌های سمرزمی ایران منتشر شده است. پیام تهران روشن است: تنگه هرمز دیگر آن تنگه سابق نبوده و بازگشت به‌وضع قبیل از جنگ روی میز نیست. موضع آمریکا در نقطه مقابل قرار دارد. سند ۱۴‌بندی واشنگتن بازگشایی کامل تنگه ظرف ۳۰ روز پس از امضای توافقی را مطالبه کرده و هر گونه «سازوکار ایرانی کنترل تردد» را رد می‌کند. از نگاه واشنگتن تنگه بین‌المللی مشمول رژیم عبور ترانزیت است و هیچ کشوری حق اعمال مجوز یا عوارض ندارد. آمریکا همزمان محاصره دریایی‌اش را فعال نگه داشته و تاکنون ۵۲ کشتی عازم ایران را بازگردانده تا فشار اقتصادی بر تهران را حفظ کند. منطق واشنگتن ساده است: تا وقتی تنگه بسته بماند هزینه‌اش را ایران هم می‌پردازد و بلا‌اخره تسلیم فشار خواهد شد.

اما معادله به‌این سادگی نیست. چین تنها کشوری که کشتی‌هایش از تنگه عبور می‌کند بازیرگرمی سومی است که نقشش هر روز پررنگ‌تر می‌شود. یکن به‌شکرک‌هایش دستور داده تحریم‌های آمریکا علیه پنج‌پالایشگاه خریدار

نفت ایران را نادیده بگیرند و عملاً شریان مالی تهران را هرچند باریک‌تر از قبل باز نگه داشته است. سفر ترامپ به‌پکن در ۱۴ مه ابعاد قضیه را پیچیده‌تر می‌کند: ترامپ به‌دستاوردی در بحران رقم می‌زند. بانک مرکزی نرخ ترجیحی واردات را حذف کرده و عملاً اعتراف کرده که توان مداخله موثر در بازار ارز را ندارد. در سطح کلان تصویر بازهم تاریک‌تر است. صندوق بین‌المللی پول انقباض ۶/۱ درصدی اقتصاد ایران را برای ۲۰۲۶ پیش‌بینی کرده پس از رشد منفی ۲/۷ درصدی سال گذشته است یعنی دوسال متوالی کوچک‌شدن اقتصاد. خسارت زیرساختی ناشی از حملات هوایی قانع‌کننده باشد، هم برای بازار کافی و هم برای متحدان ایران.

در طرف ایران پیچیدگی از جنس دیگری شغل از دست رفته و ماهانه ۱۰ هزار شغل دیگر نابود می‌شود. تجارت ایران با چین بزرگ‌ترین شریک تجاری‌اش ۵۰ درصد سقوط سالانه داشته و فقط در مارس ۸۰ درصد کاهش یافت. درآمد نفتی ایران که شریان حیات بودجه دولت است روزانه ۵۰۰ میلیون دلار از دست رفته و کسری بودجه به ۱۸۰۰ تریلیون تومان رسیده است.

روزنامه دنیای اقتصاد سه‌سناریو ترسیم کرده که هر کدام مسیر متفاوتی از تورم را نشان می‌دهد. در سناریوی خوش‌بینانه یعنی توافق و بازگشایی تنگه تورم به ۴۹ درصد مهار می‌شود. در سناریوی «نه‌جنگ‌و نه‌صلح» که دقیقاً وضعیت فعلی است تورم به ۶۷ درصد می‌رسد و در سناریوی فاجعه‌بار جنگ مجدد ابرتورم ۱۲۳ درصدی در انتظار است. فاصله بین بهترین و بدترین سناریو ۷۴ واحد درصد است و سرنوشت اقتصاد ایران در همین طیف بلا تکلیف معلق مانده است.

هرمز؛ بمب ساعتی مذاکرات
در تمام پیش‌بینی‌ها و ضدپیش‌بینی‌ها ۷۰ روز گذشته یک‌نقطه ثابت وجود دارد: تنگه‌هرمز. هر سند مذاکراتی، هر آتش‌بس و هر بن‌بست سیاسی در نهایت به‌این باریکه ۳۹ کیلومتری بازمی‌گردد. دلپیش روشن است: هرگز هم اهرم اصلی ایران در مذاکرات است و هم بزرگ‌ترین مانع بر سر راه توافق. تهران و واشنگتن هر دو می‌دانند هر توافقی بدون حل مسأله تنگه بی‌مناسبت اما دقیقاً بر سر «حل» آن اختلاف بنیادین دارند.

موضع ایران صریح و بلندپروازانه است. تهران تنگه‌هرمز را نه یک موضوع قابل‌مذاکره بلکه یک «استادور راهبردی» تعریف کرده که حاضر به بازگرداندنش نیست، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس اعلام کرده ایران تمدید آتش‌بس بدون حفظ کنترل ایرانی بر تنگه را نخواهد پذیرفت. «سازمان اقتدار تنگه خلیج‌فارس» تأسیس شده از کشتی‌ها عوارض تردد دریایی می‌شود و نقشه جدید مسیرهای عبور از آب‌های سمرزمی ایران منتشر شده است. پیام تهران روشن است: تنگه هرمز دیگر آن تنگه سابق نبوده و بازگشت به‌وضع قبیل از جنگ روی میز نیست. موضع آمریکا در نقطه مقابل قرار دارد. سند ۱۴‌بندی واشنگتن بازگشایی کامل تنگه ظرف ۳۰ روز پس از امضای توافقی را مطالبه کرده و هر گونه «سازوکار ایرانی کنترل تردد» را رد می‌کند. از نگاه واشنگتن تنگه بین‌المللی مشمول رژیم عبور ترانزیت است و هیچ کشوری حق اعمال مجوز یا عوارض ندارد. آمریکا همزمان محاصره دریایی‌اش را فعال نگه داشته و تاکنون ۵۲ کشتی عازم ایران را بازگردانده تا فشار اقتصادی بر تهران را حفظ کند. منطق واشنگتن ساده است: تا وقتی تنگه بسته بماند هزینه‌اش را ایران هم می‌پردازد و بلا‌اخره تسلیم فشار خواهد شد.

اما معادله به‌این سادگی نیست. چین تنها کشوری که کشتی‌هایش از تنگه عبور می‌کند بازیرگرمی سومی است که نقشش هر روز پررنگ‌تر می‌شود. یکن به‌شکرک‌هایش دستور داده تحریم‌های آمریکا علیه پنج‌پالایشگاه خریدار

خبر

بازار دلار بانکی داغ شد



ایسنا - دربی عرضه دلار توافقی در بانک‌ها تقاضای زیادی برای خرید این نوع دلار که سهمیه‌ای(هرفرق سالی ۱۰۰۰ دلار) فروخته می‌شود ایجاد شده است. این دلار که حدود ۵۰۰۰-۶۰۰۰ تومان ارزان‌تر از بازار آزاد است در

برخی شعب ارزی بانک‌های تجارت، صادرات و ملت در بازه زمانی دوساعت درروز عرضه می‌شود. گزارش میدانی ایسنا از شعب ارزی بانک‌های عامل حاکی از این است که با آغاز توزیع ارز توافقی در شبکه بانکی صف‌های طولانی برای دریافت سهمیه ۱۰۰۰ دلاری تشکیل شده؛ فرآیندی که اگرچه با هدف ثبات‌بخشی به‌بازار انجام شده اما محدودیت زمانی عرضه‌وتقاضای بالا چالش‌هایی برای مراجعان ایجاد کرده است. طبق بخشنامه بانک مرکزی، بانک‌های عامل(ملت، تجارت و صادرات) موظف به‌عرضه دلار توافقی از ساعت ۱۱ صبح(زمان کشف نرخ) تا پایان ساعت اداری هستند. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که بازه‌زمانی حدودا دوساعته(۱۳ تا ۱۱) تکاپوی پاسخگویی به‌حجم بالای درخواست‌ها را نمی‌دهد. بسیاری از شهروندان درمقابل درب بانک‌ها در انتظار نوبت می‌مانند اما با رسیدن به‌ساعات پایانی فعالیت بانک بخشی از صف موفق به‌دریافت ارز نشده و کار روز بعد موکول می‌شود که اعتراض برخی شهروندان را به‌همراه داشت.

اقتصاد به‌زبان ساده

چرا انتظارات عقلایی ستون پنهان رفتار اقتصادی است؟



انتظارات عقلایی یکی از مهم‌ترین ستون‌های نظری اقتصاد معاصر است: ستونی که بدون شناخت آن فهم رفتار خانوارها، بنگاه‌ها و حتی دولت‌ها در برابر سیاست‌های اقتصادی ناقص می‌ماند.

این نظریه بر این اصل استوار است که مردم تنها به‌گذشته نگاه نمی‌کنند بلکه با استفاده از همه اطلاعات موجود آینده را پیش‌بینی می‌کنند و تصمیم‌های خود را بر پایه همین پیش‌بینی‌ها شکل می‌دهند. به‌تیلین دیگر افراد فعال اقتصادی نه منفعل هستند و نه ساده‌انگار. آنها با تحلیل شرایط، سیاست‌ها و روندها تصویری از آینده می‌سازند و براساس آن عمل می‌کنند. این نگاه پیامدهای عمیقی برای سیاست‌گذاری دارد و نشان می‌دهد که رفتار اقتصادی بیش از آنکه تابع اعداد و شاخص‌ها باشد تابع باورها و پیش‌بینی‌هاست.

در گذشته بسیاری از تحلیل‌ها بر این فرض بنا شده بود که مردم براساس روندهای گذشته تصمیم می‌گیرند اما نظریه انتظارات عقلایی این نگاه را دگرگون کرد. براساس این نظریه، مردم از اطلاعات موجود درباره سیاست‌های دولت، شرایط بازار، تحولات جهانی و حتی رفتار دیگران استفاده می‌کنند تا آینده را تخمین بزنند. نتیجه این است که خطاهای پیش‌بینی آنها تصادفی است و نه جهت‌دار. یعنی مردم به‌طور سیستماتیک اشتباه نمی‌کنند و سیاست‌گذار نمی‌تواند با اتکا به‌غافلگیری رفتار آنها را برای مدت طولانی تغییر دهد.

یکی از پیامدهای مهم این نظریه محدودشدن اثر سیاست‌های کوتاه‌مدت است. اگر دولت اعلام کند که برای کنترل تورم سیاست انقباضی اجرا می‌کند مردم این سیاست را در تصمیم‌های خود لحاظ می‌کنند. بنگاه‌ها قیمت‌گذاری خود را تغییر می‌دهند، خانوارها الگوی مصرف را تنظیم می‌کنند و بازارها پیش از اجرای کامل سیاست واکنش نشان می‌دهند. بنابراین اثر نهایی سیاست با آنچه سیاست‌گذار انتظار دارد متفاوت خواهد بود. این نکته نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری اقتصادی بدون توجه به‌انتظارات مانند تلاش برای هدایت رودخانه با دست خالی است.

پیام مهم دیگر نقش تعیین‌کننده اعتبار سیاست‌گذار است. اگر مردم باور نکنند که دولت به‌وعده‌های خود پایبند می‌ماند حتی بهترین برنامه‌ها نیز اثرگذاری محدودی خواهند داشت. برای نمونه اگر دولت وعده کاهش رشد نقدینگی را بدهد اما سابقه‌ای از بی‌انضباطی پولی داشته باشد مردم این وعده را جدی نمی‌گیرند و انتظارات تورمی همچنان بالا می‌ماند. در چنین شرایطی سیاست‌گذار برای کنترل تورم باید هزینه‌های بیشتری بپردازد زیرا انتظارات تثبیت نشده است.

انتظارات عقلایی نقش مهمی در شکل‌گیری پدیده‌هایی مانند تورم، رکود یا جهش نرخ ارز دارد. تورم تنها نتیجه افزایش نقدینگی نیست بلکه انتظارات تورمی نیز می‌تواند آن را تشدید کند. اگر مردم انتظار افزایش قیمت‌ها را داشته باشند رفتارشان از جلوانداختن خریدها تا افزایش دستمزدها خود به‌افزایش قیمت‌ها دامن می‌زند. به‌همین دلیل مدیریت انتظارات به‌اندازه مدیریت متغیرهای واقعی اهمیت دارد.

در اقتصادهایی که با شوک‌های بیرونی، نوسان درآمدهای نفتی یا محدودیت‌های خارجی روبه‌رو هستند نقش انتظارات حتی پررنگ‌تر می‌شود. در چنین اقتصادهایی کوچک‌ترین تغییر در سیاست‌ها با اخبار سیاسی می‌تواند موجی از واکنش‌های رفتاری ایجاد کند. برای مثال تغییر در سیاست ارزی یا انتشار خبری درباره روابط خارجی انتظارات را دگرگون می‌کند و این تغییر انتظارات خود به‌تغییر قیمت‌ها و نرخ ارز منجر می‌شود. در این فضا سیاست‌گذار تنها زمانی موفق است که بتواند چارچوبی پایدار، شفاف و قابل پیش‌بینی ارائه دهد.

شفافیت اطلاعاتی نیز از ارکان مهم شکل‌گیری انتظارات عقلایی است. این نظریه بر این فرض استوار است که مردم به‌اطلاعات دسترسی دارند. هرچه داده‌های اقتصادی دقیق‌تر، به‌موقع‌تر و شفاف‌تر منتشر شود پیش‌بینی‌ها نیز واقع‌بینانه‌تر خواهد بود. نبود شفافیت، زمینه‌ساز شکل‌گیری انتظارات بدبینانه و رفتارهای هیجانی است. انتشار منظم گزارش‌های سیاستی، برنامه‌های امید مادت و داده‌های اقتصادی به‌تثبیت انتظارات کمک می‌کند و از نوسانات غیرضروری جلوگیری می‌کند. انتظارات عقلایی به‌ما یادآوری می‌کند که اقتصاد تنگه‌های مجموعه‌ای از شاخص‌ها و سیاست‌ها نبوده بلکه شبکه‌ای از باورها، پیش‌بینی‌ها و واکنش‌های انسانی است. سیاست‌گذار زمانی موفق است که نه فقط متغیرهای اقتصادی بلکه ذهنیت و انتظارات مردم را نیز در نظر بگیرد. در جهانی که اطلاعات به‌سرعت منتشر می‌شود و مردم بیش از هر زمان دیگری تحلیلیگر شدند سیاست‌گذاری بدون توجه به‌انتظارات مانند حرکت در مه غلیظ است. فهم این نظریه کلید درک رفتار اقتصادی امروز است و به‌ما کمک می‌کند. بدین‌جهت چرا گاهی یک‌جمله، یک‌خبر یا یک‌وعده می‌تواند بازارها را دگرگون کند.

فایننشال تایمز گزارش داد

زیان ۸میلیار دیورویی خودروسازان اروپا از تعرفه‌های آمریکا

ایرنا- افزایش تعرفه‌های واردات خودرو از سوی دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا طی یک‌سال گذشته بیش از ۸میلیاردیورو هزینه به‌خودروسازان بزرگ اروپایی تحمیل کرده درحالی که واشنگتن تهدید کرده درصورت اجرائشدن توافق تجاری از سوی اتحادیه اروپا تعرفه‌ها را بار دیگر تا ۲۵درصد افزایش خواهد داد.

روزنامه فایننشال تایمز، خودروسازان اروپایی در یک سال گذشته و پس از افزایش تعرفه‌های وارداتی ازسوی دونالد ترامپ بیش از ۸میلیاردیورو هزینه اضافی متحمل شدند در حالی که صنعت خودرو خود را برای تشدید تازه جنگ تجاری با آمریکا آماده می‌کند.

این رقم براساس اظهارات عمومی مدیران شرکت‌های فولکس‌واگن، بی‌اوه، مرسدس‌بنز، استلانتیس و ولوو کارز محاسبه شده و سال ۲۰۲۵ و سه‌ماهه‌نخست ۲۰۲۶ تا سالگرد اعمال تعرفه‌های خودرویی ترامپ را در بر می‌گیرد. آمریکا در ۳آوریل سال گذشته (۱۴فروردین ۱۴۰۴) در چارچوب موج گسترده افزایش تعرفه‌های دولت ترامپ تعرفه واردات خودروهای اروپایی را از ۵/۵درصد به ۲۷/۵درصد افزایش داد. این نرخ پس از توافق تجاری آمریکا و اتحادیه اروپا در ماه آگوست (مرداد/شهریور) به ۱۵درصد کاهش یافت اما همچنان فشار سنگینی بر خودروسازان وارد کرده است.

آرنو آنتلیس، مدیر مالی فولکس‌واگن ماه گذشته به‌سرماه‌گذاران اعلام کرد که کار به‌طور قابل توجهی دشوارتر شده و هشدار داد که تعرفه‌های آمریکا امسال ۴میلیاردیورو هزینه برای این شرکت به‌همراه خواهد داشت.

وی افزود: در چنین شرایطی اقدامات تدریجی برای کاهش هزینه‌ها کافی نخواهد بود، ما باید مدل کسب‌وکار خود را به‌طور اساسی بازطراحی کنیم.

فایننشال تایمز نوشت: احتمال اعمال تعرفه‌های بالاتر نیز همچنان وجود دارد زیرا رئیس‌جمهور آمریکا این ماه تهدید کرد تعرفه واردات خودروهای اروپایی را به ۱۵درصد افزایش خواهد داد و اتحادیه اروپا را به‌پایبندیدن به توافق سال گذشته متهم کرد. او تا اوایل جولای (اواسط تیرماه) به‌اتحادیه اروپا فرصت داده تا توافق تجاری با آمریکا را اجرا کند.

یورگن ریترس برگر، مدیر مالی آئودی این هفته به‌خبرنگاران گفت افزایش تعرفه‌های خودرو «فشار قابل توجهی» بر این خودروساز وارد خواهد کرد؛ شرکتی که یکی از ۱۰ برند زیرمجموعه فولکس‌واگن است.

نیز با رقابت شدید در چین و هزینه‌های گذار به‌خودروهای برقی مواجه هستند. فولکس‌واگن از زمان اجرای تعرفه‌های جدید تاکنون ۲/۶میلیاردیورو هزینه تعرفه‌ای گزارش کرده که بزرگ‌ترین زیان در میان گروه‌های خودروسازی اروپایی محسوب می‌شود. بی‌اوه نیز حدود ۲/۱میلیارد یورو هزینه تعرفه‌ای شامل عرض واردات به‌اتحادیه اروپا از آمریکا و چین ثبت کرده و مرسدس‌بنز نیز از ۱/۳میلیاردیورو هزینه خیز شده است.

استلانتیس نیز ۱/۲میلیاردیورو هزینه تعرفه‌ای گزارش کرده اما به‌دلیل حضور گسترده تولیدی این شرکت در آمریکا بخش بیشتری از این هزینه‌ها مربوط به‌تجارت میان آمریکا، مکزیک و کانادا بوده است.

تلیگلران موسسه برنشتاین برآورد کردند اگر ترامپ تهدید خود برای اعمال سریع تعرفه ۲۵درصد بر خودروهای اروپایی را عملی کند سه‌خودروساز آلمانی فولکس‌واگن، بی‌اوه و مرسدس‌بنز در سال ۲۰۲۶ با ۲/۶میلیاردیورو هزینه اضافی روبه‌رو خواهند شد.

استیون رایتمن، تحلیلگر موسسه برنشتاین گفت خودروسازان احتمالاً برای جبران هزینه‌های ناشی از افزایش تعرفه‌ها اقداماتی انجام خواهند داد اما افزایش بیشتر قیمت‌ها می‌تواند حجم فروش را کاهش دهد.

آئودی اعلام کرد امیدوار است مذاکرات میان آمریکا و اتحادیه اروپا «از هرگونه افزایش بیشتر تعرفه‌ها جلوگیری کند».

این نشریه ادامه داد: این خودروساز لوکس درحال آماده‌سازی عرضه مدل جدید کیو۴، شاسی‌بلند لوکس سه‌دریغه خود بوده که با توجه به‌علاقه مصرف‌کنندگان آمریکا به‌خودروهای بزرگ طراحی شده است.

با این حال این مدل جدید در برایتسلاو(ایتیخت اسلواکی) تولید خواهد شد و درنتیجه تمام صادرات آن به‌آمریکا مشمول تعرفه می‌شود. آئودی درباره احتمال راه‌اندازی یک سایت تولیدی در آمریکا برای دورزدن تعرفه‌ها گفت‌وگو کرده اما هنوز تصمیمی درباره این سرمایه‌گذاری اتخاذ نشده است.

الیور زیپسه، مدیرعامل بی‌اوه عنوان کرد که به‌دستیابی به‌توافقی با دولت آمریکا امیدوار است؛ توافقی که خودروسازان اروپایی مدت‌ها به‌دنبال آن بودند و می‌تواند برای شرکت‌هایی که در آمریکا خودرو تولید می‌کنند تخفیف تعرفه‌ای به‌همراه داشته باشد.

وی افزود: در داخل دولت آمریکا حمایت زیادی داریم اما طبیعتاً این حمایت تنها درصورتی ادامه خواهد یافت که بخش نخست توافق نیز از سوی اتحادیه اروپا اجرا شود.

«جهان صنعت» در آستانه دیدار ترامپ با شی گزارش می‌دهد

جنگ زنجیره‌های تامین



می‌کند. در منطق واقع‌گرایانه توکیو مشکلی برای مدیریت نبوده بلکه یک‌دارایی راهبردی است که فلاتانه تقویت می‌شود.

■ تایپه؛ هسته غیر قابل تقلیل رقابت علاوه‌براین در مرکز روابط دوکشور مساله تایوان قرار دارد. برای شی جین‌پینگ حرکت به‌سمت اتحاد مجدد، هدف راهبردی تعیین‌کننده است. برای ترامپ تایوان هم‌زمان آمزونی برای اعتبار آمریکا یک ابزار چانه‌زنی و حتی ابزاری برای دیپلماسی معامله‌محور است. سیگنال‌های واشنگتن گاه مبهم بودند. گزارش‌هایی مبنی بر احتمال تعویق بسته‌های جدید تسلیحاتی آمریکا تا پس از نشست نگرانی‌هایی در رابطه ایجاد کرده که مبدا تایوان بخشی از یک معامله گسترده‌تر شود. انتظار می‌رود شی در این نشست خواستار محدودیت در فروش سلاح و تغییر در ادبیات رسمی آمریکا درباره وضعیت تایوان شود.

با این حال محدودیت‌های ساختاری همچنان جدی هستند. تعهدات آمریکا نسبت‌به تایوان عمیقاً در ساختار نهادی سیاست ایالات‌متحده ریشه دارد و بی‌اعتمادی دوحزبی نسبت‌به چین در واشنگتن فضای مانور برای امتیازدهی بزرگ را محدود می‌کند. بنابراین محتمل‌ترین نتیجه، ادامه ایهام تاکتیکی است نه یک توافق راهبردی بزرگ. با این حال همین که چنین نگرانی‌هایی اکنون آشکارا در تایپه مطرح می‌شود نشان‌دهنده بی‌ثباتی روزافزون این رابطه مثلی است.

■ این نشست چه می‌تواند و چه نمی‌تواند انجام دهد؟

از نظر نمایی این اجلاس تقریباً صرف‌نظر از نتیجه برای هر‌دو‌هبر موفقیت‌آمیز خواهد بود. برای ترامپ این سفر تعویق مطلوب او را به‌عنوان معامله‌گر بی‌بدیل در مرکز ژئوپلیتیک جهانی تقویت می‌کند. برای شی نیز میزبانی از رئیس‌جمهور آمریکا تایید می‌کند که چین همچنان قطب هم‌تراز قدرت جهانی است و می‌تواند باوجود فشارهای فزاینده واشنگتن را براساس شرایط خود به‌تامل وادار.

از نظر محتوایی اما نتایج احتمالاً محدود خواهند بود؛ ابتباهای نمادین تجاری، زبان محتاطانه درباره فناوری، پیام‌های مبهم درباره ایران و عدم پیشرفت در موضوع ژاپن یا تایوان. دلیل عمیق‌تر این وضعیت ساختاری است. آمریکا و چین دیگر درون یک نظام جهانی مشترک مذاکره نمی‌کنند بلکه برای شکل دادن به‌دو‌نظام متفاوت که به‌تدریج از هم فاصله می‌گیرند رقابت می‌کنند.

بنابراین نشست پکن بیشتر از آنکه نقطه عطف باشد یک‌تصویر تشخیصی خواهد بود؛ تصویری از جهانی که به‌سمت نظم‌ی قوطبی حرکت می‌کند؛ نظم‌ی مبتنی بر معماری‌های اقتصادی رقیب. درواقع نظام‌های مالی رقیب، رژیم‌های کشیترانی رقیب، چارچوب‌های حقوقی رقیب و اکوسیستم‌های فناورانه‌ای که استانداردهایشان روزبه‌روز ناسازگارتر می‌شود.

در چنین جهانی همکاری به‌شدت تاکتیکی تبدیل می‌شود یعنی هر‌دوطرف می‌باید جایگاه خود را در بازی بلندمدت بهبود دهند. هر‌دو‌هبر این مساله را درک می‌کنند. در نتیجه ماموریت اصلی در پکن حل رقابت نبوده بلکه اعمال میزان کافی از انضباط بر آن است تا این رقابت از کنترل خارج نشود. در زبان جنگ سرد جدید همین نیز یک موفقیت محسوب می‌شود.

تنگ‌هرمز عبور می‌کرد و نفت ایران نیز منبع بهتر از نفت برای اپلیک‌های چینی بود. پکن بهتر از آنچه بسیاری انتظار داشتند بحران را مدیریت کرده اما هزینه اقتصادی آن افزایش یافته است؛ از جمله از طریق تامین گران‌تر انرژی و وابستگی بیشتر به‌مصرف زغال‌سنگ داخلی. از این‌رو چین واقعا خواهان بازگشت ثبات به‌خلیج‌فارس است. واشنگتن آشکارا از پکن خواسته روابط نزدیک خود بر تهران را به‌کار گیرد و هم‌زمان تهدید کرده شرکت‌های دخیل در مبادلات انرژی ایران را با مجازات‌های بیشتری روبه‌رو خواهد کرد.

در تسووی زمینهای برای همکاری تاکتیکی وجود دارد. هر‌دوقدرت می‌خواهند از شوک انرژی مهارنشده‌ای که بتواند اقتصاد جهانی را بی‌ثبات کند جلوگیری کنند اما هندسه این‌مساله مثلی است. ایران همچنان بخشی از ائتلاف موانه‌گر اوراسیایی است. تسووی زمینهای برای همکاری تاکتیکی وجود دارد. هر‌دوقدرت می‌خواهند از شوک انرژی مهارنشده‌ای که بتواند اقتصاد جهانی را بی‌ثبات کند جلوگیری کنند اما هندسه این‌مساله مثلی است.

ایران همچنان بخشی از ائتلاف موانه‌گر اوراسیایی است. تسووی زمینهای برای همکاری تاکتیکی وجود دارد. هر‌دوقدرت می‌خواهند از شوک انرژی مهارنشده‌ای که بتواند اقتصاد جهانی را بی‌ثبات کند جلوگیری کنند اما هندسه این‌مساله مثلی است.

ایران همچنان بخشی از ائتلاف موانه‌گر اوراسیایی است. تسووی زمینهای برای همکاری تاکتیکی وجود دارد. هر‌دوقدرت می‌خواهند از شوک انرژی مهارنشده‌ای که بتواند اقتصاد جهانی را بی‌ثبات کند جلوگیری کنند اما هندسه این‌مساله مثلی است.

ازسوی‌دیگر موضع تهاجمی‌تر ژاپن تحت رهبری نخست‌وزیر سائانه تاکائیچی پکن را بیش از آنچه صرفاً به‌توان نظامی مربوط باشد نگران کرده است. آنچه چین از آن اوامه دارد صرفاً تسلیح مجدد ژاپن نیست، بلکه اثر الگوئی آن است. ژاپنی که حاضر باشد دربرابر فشار چین مقاومت کند به‌کشورهایی مانند هند، ویتنام و فیلیپین نشان می‌دهد که موانه‌سازی دربرابر چین ممکن است. این مساله یکی از اهداف اصلی راهبردی پکن را تضعیف می‌کند یعنی ایجاد این تصور که برتری چین در آسیا اجتناب‌ناپذیر و مقاومت دربرابر آن بی‌فایده است.

پکن شاید در خفا خواهان خویششننداری آمریکا در قبال توکیو باشد اما بعید است به‌چنین خواسته‌ای برسد. از دید واشنگتن ژاپن قدرتمندتر بار بازدارندگی منطقه‌ای آمریکا را کاهش می‌دهد و حلقه مهار چین در زنجیره نخست‌زایر را تقویت

اقتصادی که بخش‌های راهبردی دواقصا در از هم جدا می‌کند عمداً دست‌نخورده باقی خواهد ماند. آتش‌بس تجاری شاید تیترو رسانه‌ها را بسازد اما مسیر راهبردی جداسازی اقتصادی آمریکا و چین را تغییر نخواهد داد.

■ فناوری؛ منطق برگ‌گست‌ناپذیر شکل‌گیری بلوک‌های فناورانه اگر تجارت مربوط به‌نام‌سازی است فناوری مستقیماً به‌قدرت مربوط می‌شود. نبرد بر سر نیمه‌رساناها، هوش مصنوعی و مواد معدنی حیاتی اکنون به‌مرکز نقل رقابت چین و آمریکا تبدیل شده است. محدودیت‌های صادراتی بر متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

در همین راستا پاسخ چین از مرحله تلافی‌جویی عبور و به‌سمت ساخت یک اکوسیستم فناورانه، تجاری و نهادی جایگزین حرکت کرده است. پکن مقررات جدید ضدتحریمی وضع کرده که تبعیت از برخی اقدامات فرامرزی خارجی را ممنوع می‌کند و امکان مقابله‌ممتل علیه شرکت‌هایی را که این تحریم‌ها را اجرا می‌کنند فراهم می‌کند. اهمیت این مساله بیشتر ژئوپلیتیک است تا حقوقی. چین دیگر صرفاً دربرابر فشار آمریکا مقاومت نمی‌کند بلکه در تلاش است یک حوزه اقتصادی و مقرراتی موازی ایجاد کرده تا خارج از دسترس قضایی ایالات‌متحده عمل کند.

■ تجارت؛ نمادگرایی بیش از واقعیت درچین‌بستری مذاکرات تجاری بیش از آنکه به‌دلیل محتوای اقتصادی اهمیت داشته باشند از نظر نماد سیاسی مهم هستند. ترامپ وارد این نشست می‌شود درحالی که به‌دنبال کاهش قابل‌مشاهده کسری تجاری دوجانبه است اما واقعیت‌های ساختاری اقتصاد چین باعث می‌شود هرگونه بازتوازن معنادار در بازه زمانی سیاسی بعید به‌نظر برسد. راهبرد بلندمدت پکن بر ارتقای صنعتی و کاهش وابستگی به‌فناوری خارجی متمرکز است و مدل گردش دوگانه چین دقیقاً در جهت مخالف حرکت می‌کند. در این میان چین قصد ندارد در آینده خرید بیشتری از غرب داشته باشد.

■ تهران؛ جنگ حل‌نشده در مرکز میز مذاکرات

درچین شرایطی موضوع ایران صرفاً یکی از موضوعات مطرح در نشست نیست بلکه بحران ژئوپلیتیک اصلی است که این اجلاس در سایه آن برگزار می‌شود. برای چین اهمیت موضوع بسیار بالاست. پیش از جنگ حدود یک‌سوم واردات نفت چین از

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

که‌عمق بوده در حالی که آسیب‌پذیری چین در برابر آمریکا محدودتر اما متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی فناوری است. نتیجه وضعیتی است که می‌توان آن را اختلال اقتصادی تضمین‌شده متقابل نامید؛ تعادلی شکننده که در آن هر‌دوطرف توانایی واردکردن هزینه‌های سنگین ساختاری به‌دیگری را دارند.

تحلیل اثر عجیب هوش مصنوعی بر اقتصاد بررشی شد

رونق بزرگ یا توهم آماری

اس‌کی‌هاینیکس بوده‌امسال ۷۸درصد رشد کرده‌است. بنابراین درحالی‌که هدف‌تعرفه‌ها کاهش کسری تجاری آمریکا‌ومازادتجاری دیگر کشورها بوده رونق هوش‌مصنوعی عملاً روندی معکوس ایجاد کرده است.

بازارسهام نیز یکی از مهم‌ترین عرصه‌های این عوواج است؛ یکی از دلایلی که افزایش قیمت انرژی مانع رکوردشکنی شاخص S&P ۵۰۰ نشده بازگشت قدرتمند شرکت‌های بزرگ فناوری موسوم به‌هفت‌شگفت‌انگیز است. شرکت‌هایی که بیش از یک‌سوم ارزش بازار این شاخص را تشکیل می‌دهند. شاخص S&P ۵۰۰ از آغاز جنگ ایران ۱۹درصد رشد کرده اما اگر وزن همه ۵۰۰ شرکت برابر در نظر گرفته شود شاخص اندکی کاهش یافته است.

اثر هوش مصنوعی فقط به‌این هفت شرکت محدود نمانده است. سهام اینتل به‌تاژی از رکورد تاریخی خود در زمان حباب دات‌کام در سال ۲۰۰۰ عبور کرده نه به‌این دلیل که مشکلات راهبردی آن حل شده باشد. این شرکت همچنان در پرزاندن‌های گرافیکی که موتور هوش‌مصنوعی هستند از اوپن‌دی‌ا‌عبت است و در ساخت تراشه برای مشتریان بیرونی نیز با تایوان سمی‌کنداکتور رقابت دشواری دارد. با این حال پرزاندن‌های مرکزی که حوزه تخصصی اینتل است در مراکز داده تقاضای بالایی یافته‌اند همین اثراله‌های کل بخش تراشه از جمله ای‌ام‌دی، مایکرون تکنولوژی و سندیسک را نیز بالا کشیده است.

رشد کرده در حالی که اقتصاد غیرمرتبط با هوش مصنوعی فقط ۰/۱درصد رشد داشته است. دیوید ساکس، مسوول هوش‌مصنوعی در دولت آمریکا پیش‌بینی کرده است که هوش مصنوعی امسال ۲۰احدردصد به‌رشد اقتصادی اضافه کند. با این حال سه‌هوش مصنوعی در رشد اقتصادی نیز خود دچار نوعی عوواج است. بخش زیادی از هزینه‌های مربوط به‌هوش مصنوعی صرف خرید تجهیزات وارداتی از جمله نیمه‌رساناها می‌پوشسته می‌شود و مستقیماً تولید داخلی آمریکا را افزایش نمی‌دهد. ازنی‌تدسکی، اقتصاددان ارشد استراتیپ محاسبه کرده که هزینه ناخالص یک‌میلیون ۱۷۰واحدردصد از رشد ۲درصدی سه‌ماهه‌اول را توضیح می‌دهد.اما اگر واردات از آن کسر شود این سهم به‌تنها ۰/۴واحدردصد کاهش می‌یابد.

اثر هوش مصنوعی بر تجارت و بازارسهام همین مساله نشان می‌دهد هوش‌مصنوعی تجارت خارجی را نیز دگرگون کرده است. افزایش واردات آمریکا در سه‌ماهه اول و گسترش کسری تجاری تاحد زیادی ببا خرید تجهیزات مرتبط با هوش مصنوعی توضیح داده می‌شود. درسوی‌دیگر مازاد تجاری تایوان به‌سطحی نزدیک به ۲۴درصد تولید ناخالص داخلی رسیده؛ رقمی که تقریباً غیرقابل تصور توصیف شده است. شاخص کاسپی کره‌جنوبی که میزان شرکت‌های بزرگ نیمه‌رسانا مانند سامسونگ الکترونیکس و

رشد کرده در حالی که اقتصاد غیرمرتبط با هوش مصنوعی فقط ۰/۱درصد رشد داشته است. دیوید ساکس، مسوول هوش‌مصنوعی در دولت آمریکا پیش‌بینی کرده است که هوش مصنوعی امسال ۲۰احدردصد به‌رشد اقتصادی اضافه کند. با این حال سه‌هوش مصنوعی در رشد اقتصادی نیز خود دچار نوعی عوواج است. بخش زیادی از هزینه‌های مربوط به‌هوش مصنوعی صرف خرید تجهیزات وارداتی از جمله نیمه‌رساناها می‌پوشسته می‌شود و مستقیماً تولید داخلی آمریکا را افزایش نمی‌دهد. ازنی‌تدسکی، اقتصاددان ارشد استراتیپ محاسبه کرده که هزینه ناخالص یک‌میلیون ۱۷۰واحدردصد از رشد ۲درصدی سه‌ماهه اول را توضیح می‌دهد.اما اگر واردات از آن کسر شود این سهم به‌تنها ۰/۴واحدردصد کاهش می‌یابد.

اثر هوش مصنوعی بر تجارت و بازارسهام همین مساله نشان می‌دهد هوش‌مصنوعی تجارت خارجی را نیز دگرگون کرده است. افزایش واردات آمریکا در سه‌ماهه اول و گسترش کسری تجاری تاحد زیادی ببا خرید تجهیزات مرتبط با هوش مصنوعی توضیح داده می‌شود. درسوی‌دیگر مازاد تجاری تایوان به‌سطحی نزدیک به ۲۴درصد تولید ناخالص داخلی رسیده؛ رقمی که تقریباً غیرقابل تصور توصیف شده است. شاخص کاسپی کره‌جنوبی که میزان شرکت‌های بزرگ نیمه‌رسانا مانند سامسونگ الکترونیکس و

آگهی اصلاحی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام) به شماره ثبت ۴۰۹ سیرجان شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۱۵۰۵۰

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت برای سال مالی نه ماهه منتهی به ۳۰ آذرماه ۱۴۰۴ راس ساعات ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۳/۰۳/۱۴۰۵ در محل سالن پاسارگاد هتل اسپیناسن خلیج فارس، واقع در تهران، بلوار کشاورز، بین خیابان نادری و فلسطین، پلاک ۱۲۶ برگزار می‌گردد.

دستور جلسه:

- ۱- استماع گزارش فعالیت هیات‌مدیره درخصوص عملکرد سال مالی نه ماهه منتهی به ۳۰/۰۹/۱۴۰۴
- ۲- استماع گزارش حسابرس و بازرسان قانونی درخصوص عملکرد سال مالی نه ماهه منتهی به ۳۰/۰۹/۱۴۰۴
- ۳- بررسی و تصویب ترانزنامه و حساب سود و زیان شرکت و تصمیم‌گیری برای تقسیم سود سهام سال مالی نه ماهه منتهی به ۳۰/۰۹/۱۴۰۴
- ۴- انتخاب حسابرس و بازرسان قانونی شرکت برای سال مالی منتهی به ۳۰/۰۹/۱۴۰۵
- ۵- تعیین روزنامه کنترالانتشار جهت درج آگهی‌های رسمی شرکت
- ۶- تعیین حق حضور اعضا غیرموظف هیات‌مدیره در سال ۱۴۰۵
- ۷- تعیین پاداش هیات‌مدیره برای عملکرد سال مالی ۱۴۰۴
- ۸- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی سالیانه باشد.

نحوه دریافت بر برگه حضور در جلسه:

سهامداران حقیقی می‌توانند شخصاً یا از طریق وکیل یا ارائه و کالت‌نامه رسمی و یا قائم‌مقام قانونی حقیقی صاحب سهم و درخصوص سهامداران حقوقی نیز نماینده یا نمایندگان شخص حقوقی صاحب سهم به شرط ارائه مدرک و کالت (اعم از عادی یا رسمی) یا نمایندگی یا امضای صاحبان امضای مجاز شخص حقوقی، حضور به هم رسانند. بر که حضور در جلسه از ساعت ۰۸:۳۰ روز چهارشنبه ۲۳/۰۳/۱۴۰۵ در محل برگزار می‌گردد.

«به همراه داشتن کارت ملی و یا مدرک شناسایی معتبر در زمان دریافت برگ حضور در جلسه برای کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامدار الزامی می‌باشد.»

سایر سهامداران در صورت عدم حضور می‌توانند از طریق پیوند اینترنتی <http://saham.geg.ir> در جریان رویدادهای مجمع قرار گرفته و نسبت به طرح سوالات خود اقدام نمایند.

هیات‌مدیره شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام)

سمت جیره بندی سوق دهد. هرچند در ارتفاعات تهران همچنان برف دیده می شود اما بارش های بهاری در پایتخت آن گونه که انتظار می رفت، محسوس نبود. با وجود افزایش بارش ها نسبت به سال گذشته، تهران همچنان با ناترازی جدی آب روبه رو است و بهطوری که ذخایر سدهای استان تهران با پرشدگی ۱۸ درصدی مواجه بوده در چنین شرایطی استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف آب به عنوان یکی از راهکارهای مدیریت مصرف، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. به گزارش ایسنا، روزهای پایانی فصل بارش در راه است و باوجود آنچه به نظر می رسد پایتخت از بحران آب فاصله نگرفته بلکه نشانه های ناترازی آب بیش ازپیش خود را نشان می دهد.

به عبارتی اگرچه بارش ها نسبت به سال گذشته بیشتر شده اما همچنان ۳۵درصد کمتر از میانگین بلندمدت است و ذخایر سدهای استان تهران در وضعیت کسری ۹۰میلیون مترمکعبی و پرشدگی ۱۸درصدی قرار دارد. به تاکید مسوولان لگوی مصرف مطلوب آب به ازای هر نفر در شبانه روز ۱۳۰لیتر است در حالی که شهروندان روزانه حدود ۴۵لیتر بالاتر از این لگوی مصرف می کنند.

بر این اساس دولت با تمرکز بر سیاست های تشویقی و هدفمند، ترغیب مشترکان به استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف آب را به عنوان یکی از محورهای اصلی مدیریت مصرف در کشور دنبال می کند. در چنین شرایطی نصب لوازم کاهنده مصرف یکی از عوامل موثر در مدیریت مصرف آب به شمار می رود که در ماه های گذشته در تهران مورد توجه قرار گرفت.

سال گذشته وضعیت آن تا حد زیادی بحرانی و خالی شده بود. سدهای منطقه ای نیز شرایط بهتری پیدا کرده اند و به نظر می رسد وضعیت آب های زیرزمینی هم نسبت به گذشته تا حدودی بهبود یافته باشند.این نماینده مجلس با تاکید بر اینکه مدیریت مصرف آب از اهمیت بالایی برخوردار است افزود: اما در کنار بارش ها، مدیریت مصرف آب اهمیت بسیار زیادی دارد. مردم باید صرفه جویی را جدی بگیرند. همچنین با توجه به شرایط موجود، بهینه سازی شبکه های توزیع آب و اجرای طرح های انتقال آب مانند انتقال آب ارس به تبریز باید با جدیت دنبال شود. نباید تصور کنیم که مشکل آب به طور کامل حل شده است. همه طرح های ابرسانی کشور باید ادامه پیدا کند به ویژه امسال که شرایط تولید محصولات کشاورزی نیز از نظر بارش و کشت و برداشت بهتر شده و امیدواریم با همراهی مردم و مدیریت مصرف، کشور با مشکل خاصی مواجه نشود.نماینده مردم تبریز در مجلس با تاکید بر نقش دولت در مدیریت مصرف آب گفت: دولت باید سازمان های مرتبط با بهینه سازی مصرف را فعال تر کند، دستورالعمل های لازم را ارائه دهد، با مشترکان بر مصرف برخورد کند و افرادی را که لگوی مصرف را رعایت می کنند، مورد تشویق قرار دهد.

نوین در پاسخ به این پرسش که وضعیت سدهای پایتخت چگونه است گفت: متأسفانه در پایتخت بارش چندان محسوس و قابل توجه نبود. پروژه هایی که از سال گذشته برای مدیریت منابع آب تهران آغاز شده بود، همچنان در حال اجراست و اقداماتی مانند کاهش فشار آب در برخی مناطق و نصب کاهنده ها در دستور کار قرار دارد که اقدام مثبتی است. نباید اجازه دهیم اسراف در مصرف آب، تهران را به

گزارش «جهان صنعت» از چشم انداز ناترازی برق در تابستان ۱۴۰۵

آزمون سختی در راه است



در این سال ها، با جدیت بیشتری سهم بیشتری از نیروگاه های تجدیدپذیر را وارد مدار کند. قرار است تا چهار و پنجمین ماه های سال، بخش قابل توجهی از برنامه ریزی انجام شده به نتیجه برسد و تا پایان سال نیز این روند ادامه پیدا کند. همه اینها نشان می دهد که شرایط امسال متفاوت است.او ادامه داد: اما نکته مهم این است که مساله گاز کشور، به دلیل مشکلاتی که در

پارس جنوبی به وجود آمده و همچنین کاهش ظرفیت تولید مناسب در بخش تولید و همچنین جدی محسوب می شود. هرچند در تابستان معمولاً مصرف گاز نیروگاه ها نسبت به زمستان کمتر است اما اگر مدیریت مناسبی صورت نگیرد، ممکن است نیروگاه ها در تولید برق با اختلال روبه رو شوند. این کارشناس انرژی یادآور شد: امسال نسبت به سال قبل تابستان سخت تری نخواهیم داشت و با افزودن مساله گاز کشور، به دلیل عدم سرمایه گذاری و نبود برنامه ریزی مناسب در بخش تولید و همچنین سرمایه گذاری ناکافی در بخش مصرف و مدیریت مصرف انرژی و برق، این موضوع به یکی از مسائل اصلی کشور تبدیل شده بود. همین مساله باعث می شد که با کمبود برق مواجه باشیم و این کمبود نیز هر سال نسبت به سال قبل بیشتر می شد. وی افزود: اما امسال در سال ۱۴۰۵، یکسری مسائل پیش آمد که باعث شد روند افزایشی کمبود برق تا حدی کاهش پیدا کند و شتاب آن کمتر شود.

وی افزود: یکی از دلایل این موضوع، شرایط جنگی و درگیری هایی بود که کشور با آن روبه رو باعث شد بسیاری از صنایع تعطیل یا نیمه تعطیل شوند. همچنین آسیب هایی به برخی نیروگاه های جنوب کشور وارد شد و از طرف دیگر، صنایعی مانند فولاد، پتروشیمی و دیگر بخش های صنعتی نیز آسیب دیدند. این شرایط اقتصادی ضعیف و نیمه فعال، از یک طرف باعث شده که میزان مصرف برق مانند سال های قبل نباشد و از طرف دیگر وضعیت ذخایر آب پشت سدها امسال نسبت به سال قبل بهتر است. صالحی بیان کرد: موضوع دیگری که نمی توان آن را نادیده گرفت، بحث نیروگاه های تجدیدپذیر است. دولت تلاش کرد

گزارش مجلسی ها از وضعیت سدهای کشور

آب مساله اول کشور است

ایسنا– یک عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی می گوید: بارش های بهاری تا حدودی شرایط منابع آبی را بهبود بخشیده است اما متأسفانه در پایتخت بارش ها چندان محسوس و قابل توجه نبود.

علیرضا نوین، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی با اشاره به آخرین وضعیت آبی سدهای کشور بیان کرد: کمیسیون عمران تاکنون جلسه رسمی با دستور مشخص درباره وضعیت آبی سدهای کشور نداشته اما بررسی های میدانی و گزارش های موجود نشان می دهد که بارش های اخیر تا حدودی شرایط منابع آبی را بهبود بخشیده است.

وی در ادامه اظهار کرد: با توجه به بارش های بهاری، برخی سدهای کشور تا حدود ۶۰درصد بیشتر از سال قبل آبیگری شده اند البته همچنان باید تاکید کنیم که خشکسالی ادامه دارد و چند سالی است که کشور با این مساله درگیر است. خوشبختانه بارش های بهاری بخشی از مشکلات را حل کرده اما به این معنا نیست که کمالات از شرایط خشکسالی عبور کرده ایم.

این عضو کمیسیون عمران مجلس با اشاره به وضعیت منابع آبی در آذربایجان شرقی تصریح کرد: در منطقه ما که عمدتاً آب تبریز از سد کازمی تامین می شود، شخصاً بازدید داشتم و دیدم که سد تقریباً لبریز شده است در حالی که در آذرماه

هستی عبادی – تابستان ۱۴۰۵ برای

صنعت برق ایران نه صرفاً یک فصل گرم بلکه آزمونی برای سنجش توان واقعی زیرساخت انرژی کشور است؛ فصلی که در آن ناترازی برق دیگر یک هشدار فنی با عدهی در گزارش های وزارت نیرو نیست بلکه به مساله ای اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی تبدیل شده است.

در حالی که طی سال های گذشته خاموشی ها عمدتاً ناشی از رشد مصرف و عقب ماندگی سرمایه گذاری در تولید برق عنوان می شد، امسال مجموعه ای از عوامل همزمان، تصویر پیچیده تری از وضعیت انرژی کشور ترسیم کرده اند؛ از فرسودگی نیروگاه ها و بحران گاز گرفته تا کاهش فعالیت بخشی از صنایع و فشار سنگین بر شبکه انتقال.

براساس آمار و اظهارات رسمی مسوولان، ناترازی برق در تابستان گذشته به حدود ۲۰هزارمگاوات رسیده بود؛ رقمی که به وزیر نیرو اعلام کرده در صورت توافق دولت مصرف سالهای قبل حتی می توانست در تابستان امسال تا مرز ۲۴هزارمگاوات نیز افزایش پیدا کند. با این حال دولت مدعی است که از طریق اجرای طرح های مدیریت مصرف، توسعه نیروگاه های تجدیدپذیر و افزایش ظرفیت تولید، می تواند این شکاف را به کمتر از ۱۰ هزارمگاوات برساند اما مساله اصلی اینجااست که کاهش نسبی ناترازی الزاما به معنای حل بحران نیست.

بخشی از کاهش مصرف برق امسال نه از محل اصلاح ساختار انرژی بلکه نتیجه رکود اقتصادی، کاهش تولید صنایع و نیمه تعطیل شدن برخی واحدهای بزرگ صنعتی است. صناعی که در سالهای گذشته خود یکی از موتورهای مصرف برق بودند، اکنون با محدودیت فعالیت مواجهند یا اساساً توان تولید سابق را ندارند. به همین دلیل بخشی از فشار مصرف به شکل غیرطبیعی کاهش یافته و همین مساله باعث شده وضعیت شبکه نسبت به پیش بینی های اولیه کمی قابل مدیریت تر به نظر برسد. دولت حساب ویژه ای روی نیروگاه های تجدیدپذیر باز کرده است. مسوولان وزارت نیرو بارها اعلام کرده اند که بخشی از پروژه های خورشیدی و بادی جدید تابستان وارد مدار می شوند و می توانند بخشی از کمبود برق را جبران کنند. با این حال سهم تجدیدپذیرها در سد برق ایران همچنان بسیار پایین تر از سطحی است که بتواند بحران ناترازی را به طور جدی مهار کند.

نگاه کارشناس

ایرنا – تحلیلگر بین المللی بازار نفت و انرژی با بیان اینکه

امارات بدترین زمان را برای ترک اوپک انتخاب کرد، معتقد است: بازار انرژی جهان اکنون بیش از همیشه تابع شرایط عرضه و تقاضاست و هرچند خروج امارات از اوپک تهدیدی را متوجه اوپک نمی کند اما به رقابت تولیدکنندگان نفت دامن می زند.

فریدون برکنشلی با بررسی ابعاد مختلف تصمیم امارات متحده عربی برای خروج از سازمان کشورهای صادرکننده نفت(اوپک) اظهار داشت: خروج و ورود کشورهای واجد شرایط در سازمان اوپک، پدیده کم سابقه ای نیست. البته پذیرش هر عضو جدید، منوط به موافقت تمام پنج عضو موسس سازمان شامل ایران، عراق، عربستان سعودی، ونزوئلا و کویت است اما خروج هر یک از اعضا به اختیار است.

وی افزود: در سال های اخیر شرایط بازار جهانی نفت و نقش و ساختار اوپک، دستخوش تحولات شد. عربستان که کماکان بالاترین سطح تولید سازمان اوپک را عهده دار است، حالا خواهان اعمال محدودیت در تولید و قیمت های به نسبت پایین تر است. برنامه های توسعه ای محمد بن سلمان بسیار پر خرج تر از برآوردهای اولیه شده است. در بودجه سال ۲۰۲۵ این کشور قیمت مورد نظر نفت ۹۲ دلار در بشکه ذکر شده بود.

نقش اختلاف غیرنفتی با عربستان در خروج از اوپک این تحلیلگر بین المللی بازار نفت و انرژی با بیان اینکه از میان عوامل عمده ای که می توان برای خروج امارات از اوپک ذکر کرد، اختلاف غیرنفتی این کشور با عربستان نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. توضیح داد: اختلافات دو کشور از زمان چند سال پیش، در سودان و وضعیت پیدا کرد. عربستان، از دولت مستقر حمایت می کند و امارات از گروه های مخالف، در

مستمر و برنامه ریزی شده داریم و مجبوریم حدود ۱۲۰ روز در مصرف برق محدودیت اعمال کنیم و با توجه به اینکه مردم ابزار کاهنده ی در اختیار نداشته و راهی جز بهره برداری ندارند بالاچار به خاموشی خواهد شد. لرئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی در گفت وگو با ایلنا با بیان اینکه سال گذشته هر هفته ۳ تا ۴ روز خاموشی دوساعته داشتیم، یادآور شد: احتمالاً امسال ممکن است فراتر برود و به نظر می رسد به طور مستمر روزانه دوساعت قطعی برق خانگی، تجاری و اداری داشته باشیم و البته بخش صنعت هم همواره در اولویت قطعی خواهد بود. باوجود اینکه دولت در دو سال گذشته در حوزه احداث نیروگاه تجدیدپذیر به خوبی فعالیت کرده و ظرفیت این نیروگاه ها به بیش از ۴ هزارمگاوات رسیده که به حل ناترازی در طول روز که سیستم های سرمایشی روشن هستند کمک می کند اما همچنان شرایط را برای ورود حداکثری بخش خصوصی به این حوزه فراهم نکرده است.

وی خاطرنشان کرد: بخش خصوصی می تواند کمک کند نیروگاه تجدیدپذیر بیشتری راه اندازی شود و با توجه به اینکه یکی از روش های موثر برای کنترل مصرف، سیستم های ذخیره ساز است باید این تجهیزات به صورت کلان وارد و توزیع شود تا مصرف برق را کاهش صیم و به این ترتیب شرایط فراهم شود که بخش صنعت بتواند در زمان های مختلف از برق استفاده کند.نجفی بیان کرد: اکنون با توجه به عدم تامین نظر بخش خصوصی و تامین هزینه سرمایه گذاری برای برق و همچنین عدم بازپرداخت به موقع صورتحساب های نیروگاه داران و از طرفی نیز افزایش قیمت ارز و عدم تعیین تکلیف بدیهی انرژی نیروگاه داران، سرمایه گذاری کنند می توانستند در صنعت برق سرمایه گذاری کنند از این حوزه خارج شدند.وی ادامه داد: بنابراین به مرور با افزایش مصرف برق در کشور و توسعه صنعت و واحدهای سکونی و همچنین افزایش بهره برداران برق، ناترازی از ۸ تا ۹ هزارمگاوات شروع شد و امروز به بیش از ۲۳ تا ۲۴ هزارمگاوات رسیده است. این عضو اتاق بازرگانی درباره امکان تامین برق از مسیر واردات نیز تصریح کرد: در بهترین حالت می توانیم ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ مگاوات از همسایگان تامین کنیم اما صورت مساله کسری ما بزرگتر از این ارقام است هرچند برای اجرایی شدن پروژه های تبادل که به تنهایی قدیمی موثر و تاثیرگذار است باید گام برداریم چراکه حداقل تأثیر آن این است که از تعطیلی یک واحد صنعتی جلوگیری کند اما در صورت واردات هم شرایط ما در حوزه برق مطلوب نخواهد بود.

تابستان و در زمان اوج مصرف، میزان صادرات

کاهش پیدا می کند اما به صفر نمی رسد. با این حال واردات برق می تواند تا حدودی کمبودها را جبران کند.این کارشناس انرژی در مورد سدهای کشور نیز گفت: ذخایر آبی آنها نسبت به سال های قبل وضعیت بهتری دارد؛ این موضوع به دلیل بارندگی های مناسب تر و همچنین ذوب شدن برف هااست. اما باید توجه داشت که آب پشت سدها فقط برای تولید برق نیست و باید نیازهای دیگر کشور، از جمله کشاورزی و مصرف عمومی نیز در نظر گرفته شود. بنابراین آذانسازی آب سدها باید براساس پروتکل ها و برنامه ریزی دقیق انجام شود تا هم نیاز برق کشور تامین شود و هم سایر نیازهای حیاتی کشور دچار مشکل نشود.

تابستان خاموشی خواهیم داشت

آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی هم در این رابطه گفت: به نظر می رسد تابستان امسال به طور مستمر روزانه دو ساعت قطعی برق خانگی، تجاری و اداری داشته باشیم و البته بخش صنعت هم همواره در اولویت قطعی ها خواهد بود.نجفی با توجه به وضعیت یوتیلیتی پتروشیمی ها و لزوم تامین برق از شبکه سراسری اظهار داشت: اکنون قرار است برق پتروشیمی های آسیب دیده از جنگ که تاکنون خودتامین بودند از شبکه سراسری تامین شود. یعنی نزدیک ۱۰۰۰ مگاوات برق پایدار و به صورت ملوم و شبانه روزی باید به مجتمع های پتروشیمی ارسال شود، نتیجه اینکه هر آنچه در تجدیدپذیر تولید می شود صرف پتروشیمی ها می شود. بنابراین در بهترین حالت ما همچنان صورت مساله سال گذشته را داریم.وی تاکید کرد: شرایط امروز صنعت برق مبین این است که ما امسال هم خاموشی های

تحلیلگر بین المللی انرژی مطرح کرد

ناگفته های خروج امارات از اوپک



برکنشلی ادامه داد: امااراتی ها متوجه بودند که در آینده قدرت کشورها از دهانه چاه بیرون نمی آید بلکه قدرت در کنترل مسیر آمد و شد نفتکش هاست. البته عربستان هم به این امر واثق است اما به دلیل حجم بالای تولید و سهم بزرگ در تقاضای جهانی نفت انتظار دارد که مصرف کنندگان بزرگ مانند چین در مدت کوتاهی راه را برای عادی سازی جریان نفت عربستان هموار کنند.

وی خاطرنشان کرد: اختلافات منطقه ای دو کشور، بارها در شورای همکاری های خلیج فارس مطرح شده و بی نتیجه ماند. همین امارات عضو منضبطی از اوپک نبود.

خبر

نسخه فولاد مبارک برای پایداری تولید صنایع



«جهان صنعت» – سعید زرندی، مدیرعامل گروه فولاد مبارک در نشست با اعضای کمیسیون صنعت و معدن مجلس شورای اسلامی با تشریح ابعاد نوسانات اخیر بازار ورق پس از حمله به این مجموعه تاکید کرد: التهاب ایجادشده بیش از آنکه ناشی از کمبود واقعی باشد، ریشه در فضاسازی روانی داشت

و فولاد مبارک با اقدام پیش دستانه، بازارآیایی فعالیت های بازرگانی و عرضه هدفمند محصولات، مانع از تبدیل این فضای هیجانی به بحران در زنجیره تامین کشور شد و نیاز صنایع پایین دستی را بدون وقفه تامین کرد.

زرندی با اشاره به گستردگی شبکه مشتریان فولاد مبارک اظهار کرد: نزدیک به بیش از هزار شرکت به صورت مستقیم از فولاد مبارک ورق دریافت می کنند؛ از واحدهای لوله سازی و پروفیل گرفته تا خودروسازان و طیف متنوعی از صنایع مصرف کننده ورق. به همین دلیل طبیعی بود که با انتشار خبر حمله به فولاد مبارک، فضای روانی خاصی در بازار ایجاد شود و نگرانی هایی در میان مشتریان و مسوولان شکل بگیرد. مدیرعامل گروه فولاد مبارک با اشاره به تدابیر این مجموعه در روزهای پایانی سال گفت: ما از ۲۳ اسفندماه با توجه به ارزیابی هایی که از شرایط داشتیم، به صورت جدی به مشتریان بزرگ و مصرف کنندگان عمده اعلام کردیم که برای دریافت سفارش های خود اقدام کنند. زرندی ادامه داد: با این حال واقعبت بازار در آن مقطع این بود که رکود بر فضای معاملات حاکم بود. بسیاری از خریداران صراحتاً اعلام می کردند که به کالای نیاز فوری ندارند، امکان حمل ندارند یا حتی فضایی برای نگهداری محصولات در اختیارشان نیست. برخی نیز می گفتند شرایط بازار به گونه ای نیست که اصلاً نیازی به دریافت این حجم از ورق داشته باشند، این مساله به خوبی نشان می دهد که ا ۸ اسفند نه تنها تقاضا در بازار وجود نداشت بلکه ما در تلاش بودیم کالاهای خریداری شده را به دست مشتریان برسانیم و کسی حاضر به تحویل گرفتن آنها نبود.

مدیرعامل گروه فولاد مبارک در ادامه با اشاره به تحولات پس از حملات انجام شده گفت: پس از رخدادهای هفتم و یازدهم و سپس تا حوالی بیستم که عملاً فضای کشور تحت تاثیر شرایط جنگی قرار گرفت، در نهایت با فروکش کردن شرایط و شکل گیری آتش بس، از حدود ۲۳ تا ۲۵ فروردین ناگهان مشاهده کردیم که بازار ورق با یک موج روانی و التهابی مواجه شد. این در حالی بود که به مسوولان مربوطه تاکید می کردیم عملاً اتفاق خاصی در حوزه مصرف واقعی رخ نداده؛ نه پروژه بزرگی در کشور اجرا شده بود و نه مصرفی در آن مقیاس ایجاد شده بود که بتواند چنین التهابی را توجیه کند.

زرندی تصریح کرد: واقعیت این است که برخی افراد با القای کمبود و ایجاد نگرانی در میان مسوولان، فضا را ملتهب کردند. در حالی که تحلیل ما این بود که بازار به لحاظ واقعی دچار بحران تامین نشده و آنچه شکل گرفته بیشتر ناشی از جنگ روانی و نگرانی های القایی بوده است. وی در تشریح اقدامات فولاد مبارک برای تنظیم بازار گفت: ما فازی را طراحی و تعریف کردیم که پایه آن بر شکل گیری مجدد زنجیره بر مبنای فعالیت بازرگانی بود و بر این اساس با ورود مجدد به بازار محصولات را به واحدهای تولیدی عرضه کردیم.

وی تاکید کرد: فولاد مبارک در این مقطع حساس تلاش کرد با آینده نگری، تصمیم گیری به موقع، ارتباط مستمر با مشتریان و فعال سازی ظرفیت های جایگزین، اجازه ندهد فضای روانی ناشی از حملات به بحران واقعی در بازار تبدیل شود. امروز نیز با جدیت، بازگرداندن ظرفیت ها، تثبیت بازار و تامین نیاز صنایع کشور را دنبال می کنیم.

زرندی با اشاره به همکاری با دولت و بخش خصوصی گفت: در جلسات بررسی تامین نیاز بازار، پیشنهادی مطرح شد مبنی بر اینکه اختیار واردات مستقل ورق یا اسلب به فولاد مبارک داده شود. من از این موضوع تشکر اما صراحتاً اعلام کردم چنین انحصاری به نفع کشور نیست. این کار ممکن است فولاد مبارک را وارد چالش با فعالان اقتصادی کند و در آینده تبعات منفی به همراه داشته باشد.

وی افزود: با وجود این موضوع فولاد مبارک از منظر کارشناسی توصیه اکید داشت چنانچه قصدی در واردات است این واردات معطوف به واردات تختال باشد تا ظرفیت های تولیدی واحدهای نورد تکمیل شود. مدیرعامل فولاد مبارک که تاکید کرد: برداشت ما این است که کمبود جدی در بازار وجود ندارد. برای اطمینان از این موضوع، نشست های تخصصی جهت بررسی نیازهای واحدهای تولیدی با فعالان صنایع پایین دستی برگزار کردیم.

اقدام عملی برای شکست التهاب بازار

زرندی در ادامه گفت: در هفتم اردیبهشت تصمیم گرفتیم به صورت جدی وارد عمل شویم تا «قیمت سازی روانی» بازار شکسته شود. پیش از آن، نرخ ورق فولادی در بازار حدود ۱۴۰هزار تومان بود. تلاش کردیم با عرضه گسترده، التهاب مصنوعی بازار از بین برود.

او افزود: در همان تاریخ، فولاد مبارک هر ورق گرم خود را با قیمت ۸۵هزار تومان عرضه کرد. نتیجه آن بود که بازار بلافاصله واکنش نشان داد و قیمت ها کاهش یافت. این در حالی بود که در عرضه نخست از مجموع حدود ۱۶۰هزار تن عرضه شده، حدود ۹۲هزار تن از آن فروش رفت؛ نشانه ای واضح که برخلاف تبلیغات برخی افراد، بحران واقعی تقاضا در کار نبود.

تامین نیاز صنایع خودروسازی و لوازم خانگی

مدیرعامل فولاد مبارک با اشاره به گفت وگوهای اخیر خود با مدیران خودروسازان بزرگ کشور گفت: در هفته گذشته با مدیران عامل سایپا و ایران خودرو نشست داشتیم. نگرانی هایی درباره تامین ورق تا ماه های آینده داشتند اما به آنها اطمینان دادیم که موجودی و ظرفیت کافی داریم و مشکلی برای تامین وجود ندارد.

زرندی به وضعیت صنایع لوازم خانگی هم اشاره کرد و گفت: با بسیاری از تولیدکنندگان بزرگ مذاکره و وضعیت ذخایرشان را بررسی کردیم. تقریباً اکثر شرکت های شاخص اعلام کردند که تا خرداد و تیرماه ورق کافی در انبار دارند. بنابراین بحران کمبود در صنایع پایین دستی وجود ندارد و شرایط کاملاً قابل مدیریت است.

مخالفت با مداخله در بازار

زرندی در پایان با اشاره به تبعات اقتصادی واردات تصریح کرد: واردات، آخرین گزینه ماست چرا که ورود به این عرصه به صورت ناخواسته منجر به افزایش ۳۰ تا ۴۰تومانی قیمت ها در بازار می شود. اگرچه امکان واردات وجود دارد اما باید توجه داشت که در صورت بسته بودن مسیرها و ایجاد گلوگاه ها، هزینه های نهایی به مراتب بیش از ارقام کنونی افزایش خواهد یافت بنابراین مدیریت هزینه ها و بهره گیری از ظرفیت های داخلی، اولویت نخست ماست.

خبر

نیایب شدن برخی آنتی‌بیوتیک‌ها



ایلنا- دبیر انجمن پیوند کلیه ایران گفت که در حوزه آنتی‌بیوتیک‌ها با مشکلاتی مواجه هستیم و برخی از این داروها بسیار نایاب شدند. بیماران دیالیزی و پیوندی به‌دلیل شرایط جسمی خود ممکن است دچار عفونت شوند و نیاز به‌بستری و دریافت آنتی‌بیوتیک داشته باشند بنابراین تداوم این وضعیت می‌تواند مشکلات بیشتری ایجاد کند.

فاطمه پوررضایی درباره روند ارائه خدمات درمانی به بیماران دیالیزی و پیوندی در دوران جنگ اظهار کرد: در طول جنگ روند درمان بیماران متوقف نشد و مراکز پیوند و دیالیز به‌فعالیت خود ادامه دادند. البته میزان مراجعات تاحدودی کاهش پیدا کرد که طبیعی بود چراکه بخشی از بیماران تهرانی مانند سایر شهروندان به شهرستان‌ها رفته بودند و همین موضوع موجب خلوت‌تر شدن مراکز دیالیز تهران شد.

وی افزود: با این حال هیچ‌گونه وقفه‌ای حتی در ارائه ۲۴ ساعته خدمات درمانی به بیماران ایجاد نشد و تاکنون نیز مشکل جدی در این زمینه گزارش نشده است. در حوزه پیوند نیز تنها در اوج شرایط جنگی و به‌دلیل نگرانی و ترس بیماران وقفه کوتاهی ایجاد شد اما روند درمان و دوره‌های درمانی ادامه پیدا کرد و اکنون شرایط تقریباً به‌وضعیت پیش از جنگ بازگشته است.

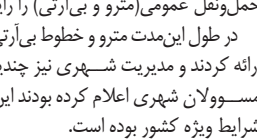
پوررضایی درباره وضعیت دارویی بیماران دیالیزی و پیوندی نیز گفت: اگرچه کشتی حامل تجهیزات دیالیز هدف حمله قرار گرفت اما خوشبختانه تاکنون مشکلی در روند تامین ایجاد نکرده اما باید دید در ادامه شرایط به‌چه‌صورت پیش خواهد رفت.

دبیر انجمن پیوند کلیه ایران ادامه داد: در حوزه دارو به‌دلیل تغییر سیاست‌های ارزی داروهای برند با افزایش قیمت مواجه شدند اما در زمینه داروهای تولید داخل فعلاً مشکل خاصی از نظر دسترسی وجود ندارد و تا این لحظه با بحران جدی دارویی مواجه نشدیم.

وی با اشاره به کاهش ذخایر دارویی هشدار داد: بخشی از ذخایر دارویی و بیمارستانی طی ماه‌های گذشته مصرف شده و اگر گشایشی در روند تامین دارو ایجاد نشود احتمال بروز مشکلات جدی در آینده وجود دارد. درحال حاضر نیز کمبود برخی داروهای عمومی و در دسترس بسیار متدريج محسوس شده است.

پوررضایی تأکید کرد: در حوزه آنتی‌بیوتیک‌ها نیز با مشکلاتی مواجه هستیم و برخی از این داروها بسیار نایاب شدند. بیماران دیالیزی و پیوندی به‌دلیل شرایط جسمی خود ممکن است دچار عفونت شوند و نیاز به‌بستری و دریافت آنتی‌بیوتیک داشته باشند بنابراین تداوم این وضعیت می‌تواند مشکلات بیشتری ایجاد کند.

حمل‌ونقل عمومی از امروز دوباره پولی می‌شود



ایلنا- پس از بیش از دو ماه ارائه رایگان خدمات حمل‌ونقل عمومی در تهران از امروز دریافت کرایه مترو و خطوط بی‌آرتی از سر گرفته می‌شود.

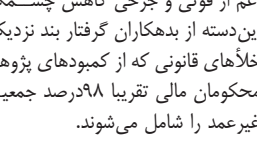
دوشنبه ۱۲ دیماه ۱۴۰۵ باید برای استفاده از ناوگان مترو و اتوبوس‌های بی‌آرتی تهران کرایه پرداخت شود؛ پایان طرحی که بیش از دو ماه به‌صورت رایگان در اختیار شهروندان قرار داشت.

این تصمیم درحالی اجرایی می‌شود که شهرداری تهران از ۹ اسفند و همزمان با آغاز جنگ باهدف سهولت مردم و کاهش فشارهای اقتصادی استفاده از ناوگان حمل‌ونقل عمومی (مترو و بی‌آرتی) را رایگان اعلام کرده بود.

در طول این مدت مترو و خطوط بی‌آرتی بدون دریافت کرایه به‌شهروندان خدمات ارائه کردند و مدیریت شهری نیز چندین بار زمان اجرای این طرح را تمدید کرد. مسوولان شهری اعلام کرده بودند این اقدام بخشی از بسته حمایتی پایتخت در شرایط ویژه کشور بوده است.

رییس هیات امنای ستاد دیده اعلام کرد

بیش از ۲ هزار زندانی جرائم غیر عمد در زندان



ایلنا- رییس هیات امنای ستاد مردمی دیده کشور با اشاره به‌آمار زندانیان جرائم غیر عمد گفت که اکنون ۲۰ هزار و ۳۶۵ زندانی جرائم غیر عمد در کشور به‌صرف تنگدستی در تامین دیون شخصی یا تاوانی در پرداخت اقساط بانکی در بند به‌سر می‌برند که از این تعداد ۹۶۹ نفر زن هستند که نه با ارتکاب اعمال مجرمانه بلکه برحسب جهل به‌برخی قوانین و مقررات و کم‌تجربگی و بعضاً بلندپروازی روانه حبس شدند.

سیداسداله جولایی در دیدار با سیدعلی کاظمی، رییس پژوهشگاه قوه‌قضاییه که باهدف کاهش حداکثری زندانیان جرائم غیر عمد و پیشگیری از ورود ناخواسته افراد به‌زندان‌ها در سال‌های آینده لاجوردی ستاد دیده کشور برگزار شد، افزود: در شرایطی که در سال گذشته درگیر دوچنگ بودیم جمع محبوسان جرایم غیر عمد قابل توجه است و شمار بسیاری از آنها سرپرست خانواده تعریف می‌شوند.

وی با اشاره به‌تلاش‌های ستاد مردمی دیده در اصلاح برخی قوانین افزود: پس از اصلاح و دائمی شدن دوره‌های آزمایشی قانون بیمه اجباری شخص ثالث از سال ۱۳۹۵ با به‌امروز روند زندانیان به‌دکار دیات ناشی از تصادفات رانندگی اعم از فوتی و جرحی کاهش چشمگیری داشته و طبق آخرین آمار امروز این دسته از به‌کاران گرفتار بند نزدیک به‌صفر شدند اما درمقابل بابت برخی خلأهای قانونی که از کمیته‌های پژوهشی لازم تاحدی نشأت می‌گیرد آمار محکومان مالی تقریباً ۹۸ درصد جمعیت ۲۰ هزار و ۲۰۰ نفری زندانیان جرائم غیر عمد را شامل می‌شوند.

پویا اصل‌باغ- این روزها گرانی دیگر فقط

یکوازه اقتصادی نیست بلکه حضورش را می‌توان در آشپزخانه، به‌بخال، رفت‌وآمد، مهمانی‌ها و حتی گفت‌وگوهای روزمره حس کرد. تشدید اوضاع وخیم معیشتی از زمستان سال گذشته تاکنون رمقی برای مردم باقی نگذاشته است. افزایش قیمت کالاها، دشواری معیشتی و سختی زندگی حالا به‌بیتریک و خبر دستاورد بسیاری از رسانه‌ها تبدیل شده است. برخی می‌گویند این مسائل مردم را ناامید و خشمگین می‌کند اما پرسش این است که مگر می‌توان این روزها از چیزی جز درد و رنج مردم نوشت؟ مردمی که سال‌هاست در این جزیره سختی زندگی خود را با صبر و شکیبایی گذرانند آیا حق یک‌زندگی آرام و بی‌غدغه را ندارند؟ گرچه این روزها سکوت بر بازار حاکم است اما اگر گوش شنوایی باشد می‌توان صدای فریاد خسته مردم و کاسبان را شنید. مردمی که از این همه ناآرامی، نبود نظارت، قیمت‌های بی‌محابا و درآمدهای پایین به‌بسته آمدند و چاره‌ای جز سکوت و بریداری ندارند مردم ایران اکنون روزمرگی خود را زیر آفتاب گرانی می‌گذرانند و «هیچ‌کس» به‌فریاد آنها نمی‌رسد.

سفرها در محاصره گرانی

شاید بتوان گفت نخستین حضور گرانی را مردم در سفرهای خود احساس می‌کنند جایی که رشد شتابان قیمت کالاها، خوراک معیشت خانوارهای ایرانی را وارد مرحله‌ای از ناپایداری کرده است. برای فهم این مساله می‌توان قیمت تمام‌شده یک سفره بسیار ساده را اطلاع‌رسانی به‌مسوولان حکومتی ارائه می‌شود چراکه مردم خود به‌خوبی از وضعیت قیمت‌ها آگاهند اما به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذاران نه.

به این فهرست توجه کنید: پتیر سفید ۳۰۰ گرمی ۱۴۵ هزار تومان، روغن مایع ۱/۸ کیلوگرمی ۹۰ هزار تومان، ماکارونی ۲۰۰ گرمی ۲۰ هزار تومان، تخم‌مرغ ۳۰ عددی ۲۸۹ هزار تومان، قند ۱۷۰۰ گرمی ۳۷۰ هزار تومان، ماست پرچرب یک کیلوگرمی ۱۲۱ هزار تومان، شیر کم‌چرب پتری ۸۰ هزار تومان، نان بربری ساده اندازه‌ای ۲۵ هزار تومان. در نگاه نخست این فهرست بسیار ساده به‌نظر می‌رسد نه خبری از گوشت و مرغ و برنج است و نه تنقلات و ادویه‌جات بلکه تنها شامل نیازهای ابتدایی و ضروری هر سفره خانوار ایرانی است. باوجود این‌سازگی قیمت هر صد چلوچاقم کالا ناقابل به‌۱۵ میلیون تومان می‌رسد این میزان برای یک‌خانوار سفره شاید حداقل مصرف یک‌هفته را تامین کند آن‌هم به‌بشرط صرف‌مجویی. در همین فهرست ساده می‌توان تنشاهای سقوط معیشت را دید؛ خانوارهایی که روزگاری عطر غلغله‌هاشان در کوچه و برزی می‌پیچید اکنون ناچارند سفره خود را در همین چلچل مقیم بکنند.

مسکن؛ بعلیدن کل درآمد

هزینه‌های مربوط به‌اجاره‌ها و تامین مسکن بیکی از اصلی‌ترین عوامل بلعنده درآمد خانوارها تبدیل شده

بحران

در روزهای اخیر نام هانتاویروس دوباره در رسانه‌های جهان مطرح شده آن‌هم پس از انتشار خبر چندمورد ابتلا و مرگ مرتبط با یک‌کشتی گردشگری در اقیانوس اطلس. همزمان کاربران شبکه‌های اجتماعی به‌توتیتی قدیمی از سال ۲۰۲۲ اشاره می‌کنند که ظاهراً رویداد شیوعی از این ویروس در سال ۲۰۲۶ را پیش‌بینی کرده بود. همین موضوع باعث شکل‌گیری موجی از نگرانی و گمان‌زنی شده است. با این حال سازمان جهانی بهداشت تأکید کرده که فعلاً شواهدی از یک‌همه‌گیری گسترده وجود ندارد و خطر برای عموم مردم پایین ارزیابی می‌شود.

هانتاویروس چیست؟

هانتاویروس درواقی نام یک‌خانواده از ویروس‌هاست که عمدتاً از طریق جوندگان به‌ویژه موش‌ها به‌انسان منتقل می‌شود. این ویروس‌ها می‌توانند دوبیماری مهم ایجاد کنند: سندرم ریوی هانتاویروس (HPS) که بیشتر در قاره آمریکا دیده می‌شود و تب خونریزی‌دهنده همراه با سندرم کلیوی (HFRS) که در آسیا و اروپا شایع‌تر است نام این ویروس از رود «هانتان» در کره گرفته شده؛ جایی که در دهه ۱۹۵۰ و در جریان جنگ کره هزاران سرباز به‌بیماری تب‌شدار شدیدی مبتلا شدند و بعدها مشخص شد عامل آن نوعی ویروس منتقل‌شونده از جوندگان بوده است.

شناخته‌شده‌ترین شیوع مدرن هانتاویروس نیز در سال ۱۹۹۳ در جنوب غربی آمریکا رخ داد؛ زمانی که چند جوان سالم به‌طور ناگهانی دچار نارسایی شدید ریوی شدند و برخی از آنها جان باختند.

راه انتقال بیماری

هانتاویروس برخلاف کرونا یا آنفلوآنزا معمولاً از انسان به‌انسان منتقل نمی‌شود. رایج‌ترین راه انتقال استنشاق ذرات آلوده موجود در ادرار مدفوع یا بزاق جوندگان است هنگام تمیز کردن انبارها، ریز زمین‌ها، کلبه‌ها یا مکان‌های متروکه که اگر فضولات خشک‌شده موش در هوا پخش شود احتمال ورود ویروس به‌بستگاه تنفسی وجود دارد. گاز گرفتگی جوندگان نیز می‌تواند عامل انتقال باشد هرچند کمتر رخ می‌دهد. البته یک‌گونه خاص به‌نام «آندس ویروس» که در آمریکای جنوبی دیده

است. سال‌هاست که به‌دلیل رکود اقتصادی و تورم فزاینده قیمت مسکن در نقاط مختلف کشور به‌ویژه پایتخت زندگی چشمگیر را تجربه می‌کند که هرروز نیز تشدید می‌شود. برای درک بهتر این پدیده قیمت اجاره یک‌واحد مسکونی ۶۰ متری در چهارنقطه تهران مورد واکاوی قرار گرفته تا شاید مسوولان نسبت به قیمت‌های موجود در بازار بیش‌تر عمیق‌تر پیدا کنند. شرق تهران یک‌واحد ۶۰ متری، ۱۵ سال ساخت، یک‌خوابه، بدون پارکینگ و انباری، نیازمند یک‌میلیارد تومان ودیعه و ماهانه ۱۲ میلیون تومان اجاره‌ها.

غرب تهران یک‌واحد ۶۰ متری، ۱۵ سال ساخت، یک‌خوابه، با پارکینگ، انباری و آسانسور، با ۲۰ میلیون تومان ودیعه و ماهانه ۲۷ میلیون تومان اجاره‌ها.

جنوب تهران یک‌واحد ۶۰ متری، هشت‌سال ساخت، یک‌خوابه، بدون پارکینگ و انباری با ۲۰ میلیون تومان ودیعه و ماهانه ۱۹ میلیون تومان اجاره‌ها. شمال تهران یک‌واحد ۶۰ متری، ۱۴ سال ساخت، یک‌خوابه، با پارکینگ، آسانسور و انباری با ۴۰ میلیون تومان ودیعه و ماهانه ۲۵ میلیون تومان اجاره‌ها.

واکاوی این قیمت‌ها چشم‌شده در هزینه تامین مسکن را به‌وضوح نشان می‌دهد. آمارهای موجود حاکی از آن است که به‌طور میانگین، ۷۳۰ درصد از حقوق ماهانه و درآمد خانوارهای متعلق به‌طبقه متوسط جامعه صرف بخش مسکن می‌شود. این نسبت برای دهک‌های پایین و افراد کم‌درآمد حتی به‌حدود ۸۰ درصد نیز می‌رسد. افزایش بی‌رویه هزینه‌های مسکن طی سال‌های اخیر شمار بسیاری از خانوارها را به‌بست حاشیه‌نشینی سوق داده است. کارشناسان هشدار

می‌دهند که این روند علاوه‌بر تهدید معیشت طبقه متوسط می‌تواند به‌افزایش بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی منجر شود. این وضعیت نه یک‌انتخاب بلکه اجباری بوده که به‌افزاد تحمیل شده است. موضوع مسکن و پدیده حاشیه‌نشینی مشکلات عدیده‌ای برای اقشار مختلف جامعه به‌ویژه کارمندان و دانش‌آموزان ایجاد کرده است. مسافت طولانی بین محل سکونت و کار یا تحصیل روزانه انرژی و زمان قابل توجهی را از آنان سلب می‌کند. جامعه‌شناسان معتقدند که رشد حاشیه‌نشینی و مصائب ناشی از آن به‌ویژه برای طبقه متوسط می‌تواند به‌غنازبایی‌های گسترده در سطح جامعه دامن بزند.

روای خرید پوشاک

خرید لباس و پوشاک که روزگاری جزو نیازهای اساسی هر خانوار محسوب می‌شد اینک در سید خرید بسیاری از مردم در حد «ولخرجی» تلقی می‌شود. با این حال مگر می‌توان این‌کالای ضروری را به‌محور کامل از سید خرید حذف کرد؟ سال‌هاست که پوشاک نیز به‌دلیل تورم و رکود حاکم بر بازار گرفتار موج گرانی شده و این‌کالای جناب و کاربردی را از دسترس عموم دور کرده است. برای درک عمق گرانی در این حوزه قیمت برخی محصولات پوشاک رایج در بازار مورد بررسی قرار گرفته تا شاید مسوولان امر بیش‌تر عمیق‌تر نسبت به قیمت‌های جاری پیدا کنند.

قیمت پوشاک مردانه:

پیراهن ساده ۲۸۸۰۰۰ تومان، شلوارچین ۳۷۸۰۰۰ تومان، کفش اسپرت (کتونی) ۱۴۰۰۰۰ تومان.

قیمت پوشاک زنانه:

بلوز: ۳۳۰۰۰۰ تومان، شلوار چین ۲۵۰۰۰۰ تومان، کفش اسپرت (کتونی) ۲۲۰۰۰۰ تومان. خانوادها باید سالانه حداقل ۳۲ میلیون تومان

را از دست بدهد به‌همین دلیل این‌بیماری در دسته عفونت‌های بسیار جدی قرار می‌گیرد و با این‌حال خوشبختانه انتقال آن دشوارتر از سایر ویروس‌های تنفسی رایج است و معمولاً به‌اتمس مستقیم با جوندگان آلوده نیاز دارد در حال حاضر درمان اختصاصی یا واکسن عمومی موثری برای هانتاویروس وجود ندارد. درمان بیشتر حمایتی است یعنی بیمار باید سریع به‌بستری شود، اکسیژن دریافت کند و در موارد شدید تحت مراقبت ویژه قرار گیرد پزشکان می‌گویند تشخیص زودهنگام می‌تواند شناس زنده‌ماندن را افزایش دهد.

پیشگیری مهم‌ترین سلاح در برابر

جهان صنعت

قابل توجه فعالان اقتصادی

تیم کارشناسی متشکل از کارشناسان اقتصادی و حقوقی به منظور کمک به رفع موانع تولید آماده ارائه خدمات به تولیدکنندگان و صاحبان کلا و خدمات در حوزه‌های زیر است:

- معرفی شرکای تجاری داخلی و خارجی
- برندسازی و دیجیتال مارکتینگ
- مشکلات تامین سرمایه
- تهیه بیزنس پلن
- خدمات مشاوره مالی و مالیاتی
- مشاوره در زمینه‌های ادغام مالیاتی
- موانع صادرات و واردات
- برآورده‌های حقوقی
- موفقیت در مذاکرات تجاری
- بازاریابی و فروش
- حل مشکلات قراردادهای تجاری
- مشاوره در زمینه‌های ورود شرکتهای تجاری به بورس

۸۸۶۱۰۱۹-۲۱ | ۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴

«جهان صنعت» شکاف میان افزایش قیمت‌ها و درآمدهای ناکافی را بررسی کرد

سقوط زندگی مردم



در نگاه نخست این قیمت‌ها ممکن است برای برخی اقسار «معمولی» تلقی شوند اما باید در نظر داشت که این اقلام جزو برندهای لوکس یا گران‌بازار محسوب نمی‌شوند و تنها نمایانگر قیمت پوشاک استاندارد و رایج هستند. گرانی افسارگسیخته لباس در سال‌های اخیر پدیده‌ای نوظهور را در جامعه رواج داده است به‌نام «خرید اقساطی پوشاک». این روش هرچند نیاز مقطعی را برطرف می‌کند اما در بلندمدت فشار مالی بیشتری را بر خانوارها تحمیل کرده و دسترسی به‌این‌کالای مهم را همچنان دشوار می‌کند. مهم‌تر از همه این‌تاثیر این‌گرانی بر کانون خانواده است. بسیاری از پدران و مادران برای تامین نیاز فرزندانشان به‌پوشاک مناسب و درخور از خرید برای خودشان چشم‌پوشی می‌کنند و ترجیح می‌دهند در این شرایط بر نوسان قیمتی اولویت را به‌پوشش مناسب فرزندانشان بدهند.

این‌فکاردی نشان‌دهنده عمق تاثیر گرانی پوشاک بر زندگی روزمره و اولویت‌بندی‌های خانوارهاست.

علم در تنگنای مالی

آموزش ستون فقرات هر جامعه و تضمین‌کننده آینده آن است اما در سال‌های اخیر گرانی افسارگسیخته در این حوزه این‌ستون حیاتی را به‌لرزه درآورده و تهدید جدی را برای آینده کشور ایجاد کرده است. افزایش هزینه‌های چون شهریه مدارس و دانشگاه‌ها، کتب درسی، لوازم‌التحریر و ملزومات جانبی بسیاری از خانواده‌ها را در پرداخت این‌مخارج ناتوان کرده و متاسفانه شمار قابل توجهی از دانش‌آموزان را «ناچاره» به‌ترک تحصیل و ورود زودهنگام به‌بازار کار واداشته است. مهرماه هرسال خانوادها با چالشی جدید روبه‌رو می‌شوند براساس برآوردها تنها برای تهیه لوازم‌التحریر موردنیاز هر دانش‌آموز خانوادها باید سالانه حداقل ۳۲ میلیون تومان

شده بودند. کشورهایی مانند هلند، آلمان، بریتانیا، آمریکا، سوئیس، آفریقای جنوبی و سنگاپور درگیر ردهایی و پایش مسافران این‌کشتی شدند. در سنگاپور دو مورد مشکوک بررسی شد که نتیجه آزمایش آنها منفی بود.

همزمان برخی کاربران فضای مجازی

با اشاره به‌توتیتی از سال ۲۰۲۲ مدعی شدند وقوع این‌شیوع «پیش‌بینی» شده بود اما تاکنون هیچ مدرک علمی یا آمینیتی معتبری مبنی بر طراحی یا برنامه‌ریزی قبلی این‌خدا ارائه نشده و بسیاری از ادعاهای مطرح‌شده در شبکه‌های اجتماعی از حد گمان‌زنی باقی ماندند. حتی سازمان جهانی بهداشت و CDC نیز تأکید دارند که منشأ اصلی بیماری همچنان تماس با جوندگان آلوده است و شواهد موجود از یک‌رخداد محدود است. سفتر نیز جان خود را از دست دادند.

چند نفر قربانی؟

اولین قربانی شناخته‌شده مردی ۷۰ ساله از هلند بود که در جریان سفر دچار تب، سردرد و مشکلات گوارشی شد و در ۱۱ آوریل جان باخت. همسر او نیز بعداً فوت کرد و یک‌شهرهوند آلمانی هم قربانی این‌بیماری شد. تحقیقات نشان می‌دهد احتمالاً این‌زوج پیش از سوارشدن به‌کشتی در منطقه «وشوآیا» در آرژانتین و در جریان طبیعت‌گردی با پرندگانریکوبه‌ویروس آلوده

جهان صنعت را در فضای مجازی دنبال کنید

jsnews

jsnewsir

jsnewsir

jsnewsir

jsnewsir

jsnewsir

جهان صنعت

تیم کارشناسی متشکل از کارشناسان اقتصادی و حقوقی به منظور کمک به رفع موانع تولید آماده ارائه خدمات به تولیدکنندگان و صاحبان کلا و خدمات در حوزه‌های زیر است:

معرفی شرکای تجاری داخلی و خارجی

برندسازی و دیجیتال مارکتینگ

مشکلات تامین سرمایه

تهیه بیزنس پلن

خدمات مشاوره مالی و مالیاتی

مشاوره در زمینه‌های ادغام مالیاتی

موانع صادرات و واردات

برآورده‌های حقوقی

موفقیت در مذاکرات تجاری

بازاریابی و فروش

حل مشکلات قراردادهای تجاری

مشاوره در زمینه‌های ورود شرکتهای تجاری به بورس

۸۸۶۱۰۱۹-۲۱ | ۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴